

# توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

خرداد ماه ۱۳۸۸ ژوئن ۲۰۰۹

شماره ۳۴

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org) [www.toufan.org](http://www.toufan.org)

تشویق مردم به شرکت در مضحکه انتخابات، همدستی با رژیم  
فاشیستی جمهوری اسلامی است ص. ۲

چکیده‌ای از گزارش جلسه سخنرانی در سوئد  
نظری اجمالی به جنبش کارگری و سندیکائی ایران  
از آغاز تا امروز ص. ۳

درحاشیه انتخابات قلبی و اعتراضات دانشجویان  
جلسه سخنرانی میرحسین موسوی در دانشگاه زنجان ص. ۹



گزارش مختصری از تظاهراتها و اجتماعات اول ماه مه در کشورهای مختلف ص. ۱۱



اخراج علی نجاتی و احکام صادره برای کارگران هفت تپه را قویا محکوم میکنیم ص. ۱۵

خطاب به احزاب برادر و سازمانها،

احزاب، و شخصیت‌های انقلابی و مترقی

هجوم وحشیانه به تظاهرات اول ماه مه را محکوم کنید!

آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی ص. ۱۶

کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز در همبستگی با کارگران ص. ۲۰

نامه اعتراضی حزب کمونیست بنگلادش (مارکسیست لنینیست)

به سفارت و مقامات جمهوری اسلامی ص. ۲۱

آغاز فروپاشی سوسیالیسم در شوروی (پایان) یک بازنگری مجدد ص. ۲۲

## تشویق مردم به شرکت در مضحکه انتخابات، همدستی با رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی است

همان طور که قابل پیش بینی بود شورای نگهبان روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ماه چهار تن را به عنوان نامزدهای انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی اعلام داشت. شورای نگهبان، احمدی نژاد، محسن رضائی، مهدی کروبی و میرحسین موسوی را مورد تأیید قرار داده است. «آش کشک خالته بخوری پاته نخوری پاته». رژیم جمهوری اسلامی شرمی هم ندارد تا اسم این مضحکه را انتخابات بگذارد و از مردم می خواهد تا در بین این دزدان و جنایتکاران یکی را به عنوان رئیس جمهور خود بر گزینند.

«در رژیمی که شورای نگهبان آن نظارت می کند که چه کسی خود را نامزد کند و صلاحیت نامزدها را به جای تکیه بر تشخیص مردم خود در دست گرفته است مردم چه اعتمادی می توانند به این نامزدها داشته باشند. مردم، خود شورای نگهبان را فاقد صلاحیت می دانند. این شورا یک صافی به تمام معنا برای غربال مخالفین و منتقدین است. این ویژگی شورای نگهبان دیگر قابل کتمان نیست و خود آنها نیز سعی ندارند این خصوصیت را استتار کنند. حتی اظهارات آنها برخی مواردی در جهت تهدید و تحت فشار گذاردن معترضین و دگر اندیشان خودی است. این شورا خود را به قوه مقننه تحمیل کرده است و به جای مردم می خواهد با مغز علیلش فکر کند. مردم که نابینا نیستند و همه آنها فرزندان انقلاب شکوهمندی در ایران بوده و مزه دموکراسی ابتدائی و قدرت مردمی را چشیده اند. آنها نمی توانند این مضحکه را مورد تأیید قرار دهند.» نقل از بیانیه حزب کار ایران (توفان) ۲۵ اردیبهشت ۸۸

شعبه بازی انتخابات ریاست جمهوری در شرایطی برگزار می گردد که کارنامه سه دهه از حاکمیت جمهوری اسلامی تماماً سیاه است و آزار و سرکوب دگراندیشان، سنگسارزنان، سرکوب اعتراضات کارگری، سرکوب دانشجویان و شکنجه های قرون وسطائی هم چنان ادامه دارد و همه جناح های جمهوری اسلامی اعم از اصلاح طلبان و یا اصول گرایان در ایجاد فضای خفقان آور حاکم و بحران سیاسی اقتصادی که بر جامعه چون هیولائی چنگ انداخته است مقصر و مسئولند. این بحران زائیده و نتیجه عملکرد و اندیشه یک جناح از حاکمیت نیست. ناشی از بحران نظام پوسیده سرمایه داری و درگیری کل جناح های مختلف بر سر تثبیت و گسترش و تقویت اقتصادی و سیاسی خویش است. حفظ نظام انگلی و ضد زن و تبعیض جنسیتی و سرمایه داری اسلامی، دغدغه خاطر همه نامزدهای انتخاباتی مورد تأیید شورای نگهبان است. این شورا از آنجا که مردم را صغیر می پندارد چند قیم را به عنوان کادو پیشکش ۷۰ میلیون صغار کرده است. لذا، رأی دادن به هر یک از این نامزدها به معنی تأیید وضعیت اسفناک موجود و ادامه آن است. تشویق مردم به شرکت در این مضحکه انتخاباتی همدستی با کاربدستان اسلامی و خیانت آشکار به مردم است.

هیچ یک از این نامزدهای انتخاباتی سخنی در مورد اوضاع اسفناک کارگران و زحمتکشان، حداقل دستمزدها، حقوق پرداخت نشده کارگران، آزادی رهبران اتحادیه های کارگری از زندان، امنیت شغلی، حق تشکیل اتحادیه های حرفه ای مستقل از دولت، آزادی احزاب، آزادی بیان و عقیده، آزادی همه زندانیان سیاسی ..... نمی گویند. حنای شعارهای توخالی و تکراری احمدی نژاد و کروبی در مورد "توزیع سود صنعت نفت میان همه ایرانیان" دیگر رنگی ندارد و نمی تواند کسی را بفریبد. چهار سال دوره ریاست جمهوری دلقکی بنام احمدی نژاد فرجامی جز گسترش شکاف طبقاتی و فقر از یک سو و ادامه سرکوب و تشدید خفقان سیاسی نداشته است. رقیب اصلی انتخاباتی وی میرحسین موسوی نخست وزیر سال های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ که این روزها از وی به عنوان جناح نرم تن اصول گرا سخن می رود با آن کارنامه سیاه و کشتارهای وحشیانه و سرکوب خونین تشکلات سیاسی، جز وعده های توخالی حرفی برای گفتن ندارد. در چنین شرایطی تشویق مردم به شرکت در انتخابات و رأی به این نامزدها خیانت به آزادی و مردم ایران است.

امید بستن به تحولات سیاسی و اقتصادی در چهارچوب رژیم تاریک اندیش جمهوری اسلامی، حاصلی جز یأس و سرخوردگی نخواهد داشت. تلاش در این چهارچوب وقت تلف کردن و یاری به بقای نظام کثیف و ضد بشری جمهوری اسلامیست. مطالبات دموکراتیکی نظیر جدائی دین از دولت و آموزش، آزادی احزاب و اجتماعات،

ازادی بیان و اندیشه و قلم، آزادی انتخاب، برابری زن و مرد و رفاه نسبی اقتصادی در چهارچوب نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی امری محال و یک رویای دست نیافتنی است. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم تنها راه نجات مردم ایران از این بن بست است.

**تحریم فعال انتخابات**، یک تاکتیک اصولی در جهت بی اعتبار کردن روز افزون رژیم آدمکش جمهوری اسلامی، در جهت تشدید تضادهای هئیت حاکمه و تضعیف کلیت نظام جمهوری اسلامیست. آن کس که در انتخابات شرکت نمی کند یک تصمیم فردی گرفته است. قصد دارد در روز انتخابات در خانه بماند و به پای صندوق‌های رأی نرود. ولی آن کس که تحریم میکند خطابش به مردم است، نقش فعالی به عهده گرفته است و نه تنها خودش در انتخابات شرکت نمی کند از بقیه نیز می طلبد در انتخابات شرکت نکنند. وی برای این کار اعلامیه میدهد، سازماندهی میکند، تبلیغ میکند و برای تماس با مردم می رود و در صحنه حضور فعال دارد، کار اقناعی می کند و به دنبال نتیجه قابل دسترسی و زودرس است. اگر کار انتخابات قلابی با مشکل روبرو شود و کار به نزاع جناح‌های گوناگون حاکمیت بکشد وی امکان بسیج مردم را برای کشیدنشان به خیابان‌ها پیدا میکند. مردمی که در جنبش تحریم انتخابات شرکت دارند با آنها که با یک اقدام فردی در خانه مانده‌اند فرق دارند. جنبش تحریم، خواهان یک نتیجه مثبت و گویا برای مبارزه و تلاش خستگی ناپذیرش است. برای جنبش تحریم، زمینه عملیات، آکسیون‌ها، تبلیغات، فرصت‌های مانور بیشتر باز است. سازماندهی و تشویق مردم به اعتراض علیه مضحکه انتخابات و تحریم گسترده نمایش انتخاباتی، تنها تاکتیک صحیح و انقلابی است. برای تحقق این امر بکوشیم.

\* \* \* \* \*

## چکیده‌ای از گزارش جلسه سخنرانی در سوئد

متن زیر چکیده سخنرانی رفیق سیامک کارگر است که به مناسبت روز کارگردر جلسه استکهلم، شنبه دوم ماه مه ارائه گردید. در این سخنرانی نکات تاریخی و ارزشمندی در مورد جنبش کارگری و سندیکائی ایران مطرح گردیده است که مطالعه آن را به رهروان طبقه کارگر توصیه می کنیم. قابل ذکر است که برگزاری جلسات سخنرانی بخشی از فعالیت‌های زنده و آموزنده رفقای حزب کار ایران (توفان) واحد استکهلم است که هر سه ماه یک بار به طور مرتب تشکیل می‌گردد. این جلسه بعد از چهار ساعت بحث زنده و خلاق و پاسخ به سئوالات متنوع حضار با موفقیت پایان گرفت.

هئیت تحریریه

\*\*\*\*\*

## نظری اجمالی به جنبش کارگری و سندیکائی ایران از آغاز تا امروز

رفقای عزیز، تاریخ جنبش کارگری و سندیکائی ایران تاریخ مبارزات دلیرانه و ایثارگرانه و خونین میلیون‌ها انسان زحمتکشی است که همواره در سنگر مقدم مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه و عدالت پژوهانه مردم میهنمان رزمیده‌اند و نقشی ارزشمند در همه تحولات انقلابی و ضد امپریالیستی صد و پنج ساله اخیر از جنبش انقلاب مشروطیت گرفته تا جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب شکوهمند ۵۷ ایفاء کرده‌اند و در این راه هزاران قربانی داده و زندانی و شکنجه و تبعید را تحمل کرده‌اند و هم چنان استوار و پا برجا قهرمانانه در نبردی هر روزه با دشمنان استعمارگر و آزادی کش مقابله می کنند.

**تحریم فعال انتخابات قلابی تنها تاکتیک صحیح انقلابی!**

قبل از پرداختن به بحث اصلی اشاره به دو نکته ضروری است.

### الف- ویژگی رشد سرمایه‌داری در ایران

سرمایه‌داری در ایران در شرایطی در حال شکل گرفتن بود که جوامع پیشرفته سرمایه‌داری به مرحله نهائی خود یعنی امپریالیسم گام می‌گذاشتند. این همزمانی در گسترش مناسبات جامعه سرمایه‌داری و شکل‌گیری طبقه سرمایه‌دار تأثیر منحرف‌کننده‌ای نسبت به سیر کلاسیک و تاریخی داشت. روند انباشت سرمایه که در شکل معمول خود باعث رشد سرمایه صنعتی و ملی می‌شود با دخالت امپریالیسم در ایران باعث رشد بورژوازی تجاری و دلال (کمپرادور) می‌شود. از دیگر تأثیرات منفی این ویژگی، مقابله با برقراری دموکراسی بورژوائی و همدستی با نیروهای مرتجع داخلی و مقابله با جنبش کارگری و سندیکائی است. از همین روست که جنبش کارگری ایران در طول حیات خود همواره در صف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی و ترقی خواهانه قرار داشته است.

### ب - تفاوت‌های جنبش کارگری و سندیکائی ایران با جنبش‌های کارگری و سندیکائی در اروپا و آمریکا

۱ - پیدایش سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری ایران به قدمت خود طبقه کارگر است. همزمان با شکل‌گیری جنبش سندیکائی در میهنمان اندیشه‌های سوسیالیسم علمی برای نخستین بار تبلیغ و ترویج می‌شدند و جنبش سندیکائی از این ترویج کاملاً تأثیر می‌گیرد.

۲- سیر تکاملی جنبش سندیکائی ایران برخلاف سیر تکاملی جنبش اتحادیه‌ای در اروپا و آمریکا است. در ایران جنبش سندیکائی از همان آغاز همواره تحت تأثیر و در پیوند با جنبش کمونیستی بوده و از رهبری و هدایت اصولی آن برخوردار بوده است و به همین دلیل به هیچ وجه فعالیتشان محدود به دفاع از منافع بلافصل اقتصادی کارگران نبوده است و دارای خصلتی انقلابی و طبقاتی بود و در جنبش ضد استبدادی و دموکراتیک مشروطیت و جنبش ملی کردن صنعت نفت و انقلاب ۵۷ نقشی مؤثر و تعیین‌کننده ایفاء کرد.

سندیکاها در اوایل قرن ۱۸ میلادی به وجود آمدند و به تریید یونیون مشهورند، در ابتدا فقط کارگران متخصص را به عضویت می‌پذیرفتند و صندوق کمک متقابل تشکیل داده بودند و مبارزه آنها برای این بود که کارشان را از دست ندهند. بعدها در سال‌های ۳۰ قرن ۱۹ کارگران غیر متخصص را هم به عضویت پذیرفتند ولی تریید یونیون‌ها همواره فعالیتشان محدود به دفاع از منافع اقتصادی بود. در فرانسه سندیکاها در پایان قرن هجدهم و در آلمان در اواسط قرن نوزدهم و در آمریکا اوایل قرن نوزدهم پایه‌گذاری شدند. در آن زمان هنوز احزاب سیاسی طبقه کارگر ایجاد نشده بودند و سندیکاها مشی سیاسی مشخص نداشتند و بر پایه سنن تریید یونیون‌های انگلیس عمل می‌کردند. احزاب سیاسی کارگری اروپا و آمریکا در واقع محصول جنبش اتحادیه‌ای بودند.

### شکل‌گیری سرمایه‌داری و پیدایش طبقه کارگر

از دوران قدیم در ایران به دلیل وجود راه‌های بازرگانی و منابع معدنی، صنعت و تجارت کالاهای صنعتی رواج داشته است. در قرن دهم میلادی تولیدات پیشه‌وری رونق و پیشرفت فراوانی کرد؛ در شهرهای ایران زربفت به مقدار زیادی برای صدور و منسوجات ابریشمی با نقوش طلا و نقره و انواع دیگر پارچه‌های ابریشمی از قبیل اطلس و کمخا و دمشقینه و هم‌چنین پارچه‌های پنبه‌ای از کرباس گرفته تا منسوجات ظریف در تمام نقاط ایران تولید می‌شد. از صنایع دیگر ایران کاشی‌سازی و تولید ظروف سفالی ترقی فراوانی کرد.

پس از حمله مغول و دوران وقفه و انحطاط صنایع، در دوران صفویه مجدداً صنایع ایران شروع به رشد کرد. در قرن هفدهم میلادی صنایع نساجی و قالی‌بافی و چینی و بدل‌چینی و ظروف سفالی و اشیاء چرمی، نمد، چاقو و شمشیرسازی رونق بسیار یافت. صنعتگران ایرانی محصولات خود را نه تنها در سطح منطقه، بلکه در اروپا می‌فروختند. در سال ۱۷۰۰ میلادی (در زمان سلطنت ویلیام سوم) دولت بریتانیا برای حمایت از صنایع نساجی داخلی، ورود پارچه‌های مصور ایرانی را ممنوع نمود.

بعد از انقلاب صنعتی و رشد تکنولوژی سیل کالاهای اروپائی وارد کشور ما شد و استعمارگران با کمک رجال خائن موفق شدند صنایع داخلی را نابود و تولیدکنندگان داخلی را به ورشکستگی بکشانند.

در سال‌های ۱۲۲۷ تا ۱۲۳۰ شمسی که قدرت در دست امیرکبیر متمرکز بود، در تهران، قم و اصفهان کارخانه‌های بلور و چینی ساخته شد؛ در تهران و اصفهان کارخانه‌های نساجی و چیت سازی تأسیس شد. در ساری و بارفروش دو کارخانه قند به وجود آمد. در ساری کارخانه چدن ریزی و کارگاه‌های نجاری و آهنگری ایجاد شد. در سال‌های ۱۲۳۷ تا ۱۲۳۸ شمسی در قصر قاجار یک کارخانه ریسندگی دائر گردید و کارخانه حریر بافی و شرکت کشتی رانی ناصری، کارخانه پنبه پاک کنی و قند کهریزک و قالی تبریز و گاز و برق تهران و تبریز و مشهد و کبریت سازی تأسیس یافت.

پیدایش طبقه کارگر صنعتی در واقع مربوط به همین دوران سلطنت ناصرالدین شاه است. در مقطع انقلاب مشروطیت علاوه بر صنایع کارخانه‌ای، کارگران در صنعت نفت، صنایع جنگلی، معادن، قالی بافی، فلز کاری و آهنگری، چرم سازی، ماهیگیری، بنادر و کشتیرانی، باربری، راه سازی و استخراج مروارید اشتغال داشتند و مجموعاً حدود ۱۴۰۰۰۰ نفر می شدند.

رخنه سرمایه خارجی و سیاست استعماری و همزمانی و تقارن شکل گیری سرمایه‌داری در ایران با رشد سرمایه‌داری در اروپا به آخرین مرحله خود یعنی امپریالیسم، ضمن ضربه زدن به رشد سرمایه صنعتی و به ورشکستگی کشاندن آن، باعث رشد سرمایه تجاری و بورژوازی کمپرادور (دلال) می شود.

### دوران پیدایش اتحادیه‌های کارگری از ۱۲۸۵ تا ۱۳۲۰

در دهه قبل از انقلاب مشروطیت، سالانه ده‌ها هزار نفر کارگر و کشاورز بی زمین و تولید کننده خرد در جستجوی کار به مناطق نفت خیز قفقاز بخصوص شهر باکو که مرکز صنایع نفت روسیه بود مهاجرت کردند. کارگران ایرانی در آنجا با افکار انقلابی و سازمان‌های کارگری و طرز مبارزه و فعالیت آنها آشنا می شوند و در مبارزات سندیکائی و انقلابی کارگران باکو نقش مهمی بازی می کنند. عده‌ای از آنها که بعد از شکست انقلاب ۱۹۰۵ روسیه و اعتصابات صنایع نفت باکو، به دستور سازمان سوسیال دمکراسی انقلابی ایران (همت) جهت سازماندهی تشکیلات رهبری سیاسی (مرکز غیبی) و تشکیلات نظامی (مجاهدین) جنبش مشروطه خواهی و ایجاد سازمان‌های سوسیال دمکراسی در شهرهای مختلف ایران و پایه ریزی اتحادیه‌های صنفی به ایران مراجعه می کنند.

در سال ۱۲۸۵ برای نخستین بار اتحادیه کارگران چاپخانه در تهران تشکیل می شود. در سال ۱۲۸۶ کارگران و کارمندان پست و تلگراف به خاطر افزایش حقوق اعتصاب می کنند. اتحادیه کارگران برق و اتحادیه کارگران تراموا را حیدر خان عمو اوقلی در سال ۱۲۸۶ تشکیل می دهد و اولین اعتصاب کارگران برق را برای یک روز تعطیل در هفته، لباس کار و کمک به کارگرانی که در ضمن کار معلول می شوند، اداره می کند. در فاصله سال‌های ۱۲۸۶ تا ۱۲۸۹ کارگران و کارمندان تهران و رشت و کارگران شرکت ماهیگیری لیازانوف و باربران بندر انزلی چندین بار اعتصاب می کنند.

پس از شکست انقلاب مشروطه و شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ (۱۲۹۳ شمسی) جنبش کارگری دچار رکود شده و با انقلاب کبیر در روسیه در سال ۱۹۱۷ (۱۲۹۶ شمسی) و رونق مجدد جنبش انقلابی در ایران، جنبش سندیکائی نیز احیاء می شود. اتحادیه‌های کارگری فعالیت خود را مجدداً شروع می کنند. در سال ۱۲۹۷ شمسی کارگران چاپخانه‌های تهران دست به اعتصاب می زنند و موفق به انعقاد قرارداد دسته جمعی با کارفرما می شوند. در اثر این اعتصاب ساعت کار روزانه به هشت ساعت کاهش می یابد و دستمزدها افزایش می یابند. در گیلان اتحادیه کارگران و باربران بندر انزلی و اتحادیه کارگران ایالتی گیلان و اتحادیه کارگران صیاد، خیاطها، نجارها، آهنگران، حلبی سازان، درشکه چی‌ها و سپورها تشکیل می شود. در سال ۱۲۹۹ شورای اتحادیه‌ها در تهران از ۱۵ اتحادیه از جمله اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها و نساجی و معلمان تشکیل می شود. با ابتکار شورای مرکزی اتحادیه‌ها در روز اول ماه مه در اکثر شهرهای کشور تظاهرات کارگری برگزار می شود.

در آذر ماه ۱۳۰۰ شمسی، شورای مرکزی اتحادیه‌های سراسر کشور تشکیل می شود و ارگان آن روزنامه حقیقت، سپس کار و اقتصاد ایران نیز فعالیت خود را آغاز می کنند. در سال ۱۳۰۱ کارگران نفت جنوب نیز اتحادیه خود را تشکیل می دهند. در سال ۱۳۰۴ تعداد اعضای اتحادیه‌ها به ۳۰۰۰۰ نفر می رسند. در سال ۱۳۰۸ کارگران شرکت نفت ایران و انگلیس دست به اعتصاب می زنند. در زد و خورد با پلیس و عمال انگلیس ده‌ها کارگر کشته و ۲۰۱ نفر زندانی و ۵۰۰ نفر به سایر شهرهای کشور تبعید می شوند. در سال ۱۳۰۹ کارگران کارخانه نساجی وطن در اصفهان دست به اعتصاب زدند و موفق شدند کار روزانه را به ۹ ساعت کاهش دهند و دستمزد را ۲۰



درصد افزایش داده و جریمه‌ها را کم کنند. رهبری این اعتصاب با عضدالله اصلانی (کامران) عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بود.

در سال ۱۳۱۰ براساس قانون ضد کمونیستی بیش از ۱۵۰۰ نفر از رهبران و فعالان حزب کمونیست و اتحادیه‌های کارگری ایران زندانی شدند. از رهبران اتحادیه‌های کارگری، مشهدی ابراهیم، استاد غلامحسین نجار، محمد تنها، علی شرقی، مرتضی حجازی، انزابی و صادق پور در زندان رضا شاهی فوت کردند. سرکوب و برخورد خشن و وحشیانه رضا شاهی هر چند باعث رکود نسبی شد ولی نتوانست مانع تداوم جنبش کارگری شود. در سال ۱۳۱۱ کارگران ساختمانی نوشهر دست به اعتصاب هشت روزه‌ای زدند که موفق به افزایش دستمزد شدند.

### دوران شکوفایی جنبش کارگری و سندیکائی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲

پس از ورود نیروهای متفقین به ایران و سقوط دیکتاتوری رضاشاه، رهبران و فعالان اتحادیه‌های کارگران که در زندان‌ها و تبعیدگاه‌ها بودند، آزاد شدند. در دهم مهر ماه ۱۳۲۰ حزب توده ایران تشکیل می‌شود و این حزب کمک مؤثری به احیاء و تشکیل اتحادیه‌های کارگری، تمرکز و رهبری ایدئولوژیک آن می‌نماید. در سال ۱۳۲۱ شورای مرکزی اتحادیه‌های ایران با ۳۰۰۰۰ عضو تشکیل می‌شود. در یازدهم اردیبهشت سال ۱۳۲۳ شورای متحده مرکزی از تجمع چهار مرکز سندیکائی از جمله سندیکای کارگران نفت خوزستان تشکیل می‌شود که با بیش از ۳۰۰۰۰۰ عضو، وحدت کامل جنبش کارگری ایران را تحقق می‌بخشد. شورای متحده مرکزی اتحادیه کارگران و زحمتکشان ایران ارگان خود را به نام ظفر منتشر می‌کند و به عنوان مهم‌ترین و متشکل‌ترین مرکز سندیکائی ایران و خاور میانه تا آن زمان محسوب می‌شود.

در سال ۱۳۲۳ شورای متحده مرکزی لایحه اولین قانون کار را تدوین و توسط فراکسیون حزب توده ایران در اختیار مجلس گذاشته می‌شود. نکات اصلی لایحه، شناسائی رسمی اتحادیه‌های کارگری، اجرای ۸ ساعت کار روزانه، مرخصی هفتگی و سالانه برای همه کارگران و کارمندان، مرخصی شش هفته‌ای برای زنان باردار، جلوگیری از کار کودکان کمتر از ۱۲ سال و اجرای بیمه‌های اجتماعی برای کارگران و کارمندان است. دولت ساعد و نمایندگان سرمایه‌داران و مالکان در مجلس از طرح و تصویب لایحه قانون کار جلوگیری می‌کنند. در مقابل تظاهرات عظیمی با شرکت ۹۰۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان سازماندهی شده و خواستار تصویب لایحه قانون کار می‌شوند. در سال ۱۳۲۵ در نتیجه مبارزات سازمان یافته، جنبش کارگری و سندیکائی ایران به تصویب می‌رسد.

در یازدهم اردیبهشت ۱۳۲۴ بیش از ۷۰۰ هزار نفر در تهران و آبادان، تبریز، اصفهان، رشت و کرمانشاه تظاهرات می‌کنند. در سال ۱۳۲۵ در نتیجه مبارزات سازمان یافته جنبش کارگری و سندیکائی ایران، اولین قانون کار به تصویب می‌رسد. در این سال تعداد اعضای شورای متحده مرکزی به بیش از ۴۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد. در سپتامبر ۱۳۲۵ شورای متحده مرکزی رسماً به عضویت فدراسیون سندیکای جهانی و دبیر کل آن رضا روستا به عضویت شورای رهبری فدراسیون جهانی پذیرفته می‌شود.

در همین سال شورای متحده مرکزی از شرکت نفت ایران و انگلیس درخواست اجرای قانون کار را میکند و چون شرکت نفت از اجرای آن خودداری نمود، صد هزار نفر دست به اعتصاب زدند. شرکت نفت برای درهم شکستن اعتصاب با مسلح کردن عشایر و خرید رهبران آنها، مسلحانه به کارگران نفت هجوم آورده و ۴۶ نفر را کشته و ۱۵۰ نفر را زخمی کردند. شورای متحده کابینه قوام را مجبور می‌کند کمیسیونی را با شرکت نماینده شورای متحده به آبادان بفرستد. شرکت نفت می‌پذیرد قانون کار را اجرا کند.

از اوایل سال ۱۳۲۶ بعد از شکست جنبش‌های آذربایجان و کردستان، حمله نیروهای ارتجاعی به سازمان‌های کارگری شدت می‌گیرد. پلیس و اوباش به کلوب‌های شورای متحده و خانه‌های اتحادیه‌های کارگری هجوم می‌آورد. کارگران با مقاومت جانانه از کلوب‌ها دفاع می‌کنند. شورای متحده در طی یک ساعت با بسیج ۵۰۰۰ نفر از کارگران به مقابله با اوباش و نیروهای پلیس و ژاندارم می‌پردازد و با قدرت، تهاجم آنها را خنثی می‌کند. در جریان درگیری روزنامه فروشی به نام شبستری توسط عباس خلیلی مدیر اقدام با شلیک گلوله کشته می‌شود. عباس خلیلی توسط کارگران دستگیر و به شهربانی تحویل داده می‌شود. روز بعد در تشییع جنازه شبستری بیش از هفتاد هزار نفر شرکت می‌کنند.

بعد از سوء قصد به شاه در بهمن ۱۳۲۷ مجلس با تصویب لایحه‌ای فعالیت حزب توده ایران و شورای متحده مرکزی را غیر قانونی اعلام کرد و با استناد به این قانون صدها نفر از فعالان شورای متحده دستگیر و هفت نفر از رهبران حزب توده ایران و شش نفر از رهبران شورای متحده غیباً به اعدام محکوم می‌شوند.

شورای متحده مرکزی با سازماندهی مخفی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. جنبش سندیکائی از ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ رونق خود را از سر می‌گیرد و نقشی اساسی در جنبش ملی کردن نفت بازی می‌کند. در ماه‌های اسفند، فروردین و اردیبهشت ۱۳۳۰ اعتصاب عظیم کارگران نفت جنوب شکل می‌گیرد. کارگران و دانشجویان سایر شهرها از این اعتصاب حمایت می‌کنند. در ۶ فروردین در سراسر مناطق نفت خیز حکومت نظامی اعلام می‌شود و تانک‌ها وارد مراکز کارگری می‌شوند. در بندر مشعور (شاهپور) و آبادان به دستور فرماندار نظامی کارگران را به مسلسل بستند. در بندر مشعور ۱۰ زن و مرد کارگر و ۳ کودک کشته و ۴۰ نفر زخمی شدند. در آبادان ۶ کارگر به وسیله نظامیان به قتل رسیدند. در اصفهان نیز که کارگران نساجی به حمایت از نفتگران خوزستان اعتصاب کرده بودند، نیروهای نظامی ۲ نفر از کارگران را کشته و ۳۰ نفر را مجروح کردند. موج اعتصابات در حمایت از کارگران خوزستان و اصفهان در نقاط دیگر ایران به راه افتاد و باعث سقوط کابینه حسین اعلا و روی کار آمدن دکتر مصدق شد. به عبارت دیگر جنبش اعتصابی کارگران منجر به تصویب قانون ملی شدن نفت و به قدرت رسیدن دکتر مصدق شد. البته باید خاطر نشان کرد که پیروزی‌های اردوگاه سوسیالیسم و جنبش آزادی بخش در چین، اندونزی، هندوستان و یک سلسله از کشورهای دیگر نیز الهام بخش مبارزان ایران بود.

### دوران سرکوب و رشد مجدد از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷

کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که توسط سازمان‌های جاسوسی آمریکا و انگلیس سازماندهی شده بود و توسط عمال داخلی آنها و ارتش و اوباش با هدف سرکوب جنبش دمکراتیک و استقرار دیکتاتوری خونین به اجرا گذاشته شد، طی ۲۵ سال بعد از آن، علیرغم خواست کودتاچیان که خواستار سکوت گورستانی بودند با تنش‌های اجتماعی و گسترده همراه بود.

جنبش کارگری بلافاصله بعد از کودتا به شکل گسترده اما متفرق شروع شد. در سال ۱۳۳۴ در نخستین سال سیطره کنسرسیوم نفت، کارگران آبادان دست به اعتصاب می‌زنند. در تابستان و پائیز ۱۳۳۶ کارگران نفت مسجد سلیمان و آغاچاری اعتصاب می‌کنند. از جمله خواست‌های کارگران افزایش دستمزد و به رسمیت شناختن حق اعتصاب بود. در سال ۱۳۳۷ کارگران بندر شاهپور و کارگران خط لوله نفت جزیره خارک و ۱۲ هزار راننده تاکسی در تهران و کارگران تعدادی از کارخانه‌های اصفهان اعتصاب می‌کنند. در خرداد ۱۳۳۸، ۳۰ هزار کارگر کوره پزخانه‌های تهران اعتصاب می‌کنند. واحدهای نظامی به کارگران اعتصابی هجوم می‌آورند. بیش از ۵۰ نفر از کارگران کشته و عده زیادی زخمی و صدها نفر زندانی می‌شوند. هم‌زمان با این اعتصاب، کارگران کارخانه نساجی وطن نیز اعتصاب می‌کنند. در این اعتصاب نیز ۱۰ نفر از کارگران کشته و عده‌ای مجروح می‌شوند. در سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۰ شاهد اعتصاب‌های پی در پی در مراکز صنعتی و کارگری هستیم. هر چند ظاهراً محتوای خواست‌ها صنفی و رفاهی است اما واقعیت امر خصلت سیاسی مبارزه جوئی طبقه کارگر است که از میان آنها به خوبی مشهود است. در تیر ماه ۱۳۴۱، ۲۵ هزار کارگر کوره پزخانه اعتصاب می‌کنند. در سال ۱۳۴۲، کارگران نساجی زاینده رود، کارگران راه آهن و کارگران نفت اعتصاب می‌کنند. در ۷ آذر سال ۱۳۴۳، ۱۶ هزار راننده تاکسی تهران اعتصاب می‌کنند. در اردیبهشت ۱۳۴۴ کارگران معدن سرب راونج قم اعتصاب می‌کنند.

استفاده فعالین جنبش کارگری و سندیکائی در این دوره از سندیکاهای دولتی که تنها مراکز علنی تجمع کارگران بودند نشان دهنده درک روشن و اصولی آنان بود.

لنین در پاسخ سکتاریست‌ها و چپ‌نماها و کسانی که خواهان سازمان‌های کارگری ناب در شرایط مشابه آن زمان بودند پاسخ می‌دهد:

«دعای عالیجنابانه و بسیار فاضلانه و به غایت انقلابی مآبانۀ چپ‌نماهای آلمانی درباره این که گویا کمونیست‌ها نمی‌توانند و نباید در سندیکاهای ارتجاعی فعالیت کنند، و گویا امتناع از این فعالیت مجاز است و باید از سندیکاها خارج شد و حتماً "اتحاد کارگری" سرا پا نو و تازه و سراپا ناب و شسته رفته‌ای پدید آورد و غیره و غیره ... نمی‌تواند در نظر ما چیزی جز یووه پردازی‌های خنده آور و کودکانه جلوه گر باشد.»

برای آن که بتوان به توده یاری رساند و هواخواهی و همدردی و پشتیبانی توده را به سوی خود جلب کرد، باید از دشواری‌ها نه‌راسید ... حتماً در آنجا که توده هست فعالیت کرد. باید به هرگونه فداکاری تن در داد و موانع بسیار بزرگی را از سر راه برداشت تا بتوان به شیوه‌ای منظم و پیگیر، سرسخت، کوشا و شکیبایا، درست در آن مؤسسات و جوامع و جمعیت‌ها، ولو بی نهایت ارتجاعی، که توده پرولتر یا نیمه پرولتر را در بر داشته باشند، به ترویج و تبلیغ پرداخت. سندیکاها و تعاونی های کارگری همان سازمان هائی هستند که توده ها در آن وجود دارند...»

در دهه پنجاه به علت رشد سرمایه‌داری در شهر و روستا، طبقه کارگر از نظر کمی و کیفی رشد میکنند. کارگران صنعتی افزایش قابل توجهی پیدا میکنند. در ۱۳۵۲ شمار کارگران صنعتی دو میلیون و دستمزد بگیران کارگاه‌ها و بخش خدمات دو میلیون و مزد بگیران بخش کشاورزی یک میلیون بودند. طبقه کارگر با تمرکز قابل ملاحظه به عامل مؤثرتر و مهم تر در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور مبدل می شود.

در سال ۱۳۵۳ کارگران شرکت نفت در آبادان دست به اعتصاب ۴۰ روزه‌ای می زنند. در مرداد ۱۳۵۴ اعتصاب کارگران ایران ناسیونال با اخراج ۶۰ نفر از کارگران به پایان می رسد. در شهریور ۱۳۵۴ کارگران توان بین اعتصاب می کنند که بر اثر هجوم پلیس چندین کارگر زخمی می شوند. اعتصاب کارگران چاپخانه، کارگران کارخانه شهناز، صنایع پشمباف، الیاف و پتروشیمی بندر شاهپور و کارخانه فیروز کرج از اعتصابات مهم سال ۱۳۵۵ بود. اعتصاب کارگران راه آهن، الکترونیک و کبریت سازی توکل از جمله اعتصابات پی در پی سال ۱۳۵۶ است.

سلسله اعتصابات سال ۱۳۵۷ کاملاً خصلت سیاسی داشت و نشان دهنده بلوغ و توانائی جنبش کارگری و سندیکائی ایران و پیشگامی این جنبش در نبرد ضد امپریالیستی و ضد استبدادی است. اعتصاب کارگران نفت که اوایل پائیز ۱۳۵۷ با قطع شریان‌های نفت شروع شد ضربه نهائی و قطعی را در جهت سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه وارد آورد. بی ثباتی و فرار سرمایه‌داران و کارفرماها از کشور شروع شد. تحصن‌ها در محیط کار و برگزاری سخنرانی و تشکیل مجمع‌های عمومی و کمیته‌های اعتصاب در واحدهای تولیدی بعد از آن گسترش یافت. در ماه‌های قبل از سرنگونی، در بسیاری از کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی تعطیل شده، شوراهای کارگری با هدف کنترل تولید و فروش و اداره واحد ایجاد شد.

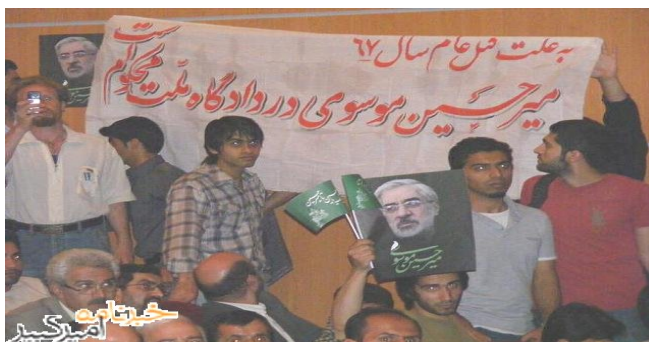
با سرنگونی رژیم شاه، تحت فشار جنبش کارگری، بخش بزرگی از صنایع ملی، و از سرمایه‌داران خلع ید شد. چند هفته بعد از انقلاب محلی در مرکز شهر تهران توسط فعالین کارگری کمونیست به عنوان خانه کارگر راه اندازی شد که در مدت زمان کوتاهی به مرکز سازماندهی و هماهنگی تشکلهای کارگری تبدیل شد. کمتر از سه ماه بعد از انقلاب، در روز جهانی کارگر بزرگ ترین تظاهرات کارگری تاریخ ایران در تهران و شهرهای ایران با شرکت میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و حمایت و همبستگی سایر اقشار آزادی خواه و مترقی برگزار گردید. جنبش سندیکائی جان تازه‌ای گرفت و طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۱ ده‌ها سندیکای مستقل کارگری احیاء شد. در دهه ۶۰ این نیروی متشکل به رغم سرکوب، در مقابله با جمهوری اسلامی، در دفاع از منافع صنفی خود با شجاعت به مبارزه پرداخت. ایجاد هسته‌های مخفی صنفی و تلاش در جهت احیاء سندیکاهای ضربه خورده و ایجاد سندیکاهای جدید، مبارزه با قانون کار ارتجاعی جمهوری اسلامی، که رژیم را وادار به عقب نشینی کرد، در کنار مبارزه با اعزام اجباری کارگران به جبهه‌ها بعد از فتح خرمشهر، اعتراضات و اعتصاب‌های صنفی از جمله در صنعت نفت، ذوب آهن و هزاران مجتمع بزرگ صنعتی برخی از نمونه هائی است که به اختصار می توان به آن اشاره کرد.

بعد از خاتمه جنگ و روی کار آمدن کابینه رفسنجانی، جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیستی تحت عنوان تعدیل اقتصادی به باز گرداندن کارخانه‌ها و سرمایه‌های ملی شده و واگذاری سرمایه‌های ملی به بخش خصوصی پرداخت. رفسنجانی که از طرف مردم لقب سردار چاپندگی گرفته بود به عنوان پدر خوانده باندهای مافیائی با در پیش گرفتن غارت اموال ملی و نابودی صنایع داخلی از طریق سرازیر کردن سیل واردات و خصوصی سازی‌ها باعث تعطیلی بسیاری از صنایع و مؤسسات تولیدی شد. در این سال‌ها با خارج کردن کارگاه‌های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار و گسترش شرکت‌های پیمانکاری و رواج قراردادهای موقت به نابودی امنیت شغلی کارگران دامن زدند. و بیش از ۸۰ درصد کارگران را از چتر حمایتی قانون کار محروم کردند. این روند در دوران کابینه خاتمی و احمدی نژاد تشدید شد. در دو دهه اخیر سالانه بین پانصد تا هزار



و پانصد حرکت اعتراضی و اعتصابی علیه خصوصی سازی‌ها، اخراج‌ها، قراردادهای موقت، تعرض به قانون کار، ممانعت از تشکیل سندیکاهای مستقل از دولت، عدم پرداخت حقوق و مزایا، رخ داده است. امروزه طبقه کارگر ایران از یک سو با وضعیت وخیم اقتصادی همراه با سرکوب هر نوع آزادی صنفی، سیاسی و اجتماعی مواجه است و از سوی دیگر فقدان فرماندهی سیاسی واحد برائی لازم را جهت پیکار متحدانه آن می‌کاهد. با این حال کارگران ایران هرگز برای احقاق حقوق خود از تکاپو نیافتاده و با اعتصاب و اعتراض هرچند غیر منتهی هم اکنون در صف مقدم مبارزات اجتماعی در این برهه از تاریخ ایران قرار دارند. صدها اعتصاب کارگری در چند ماه اخیر نشان از رشد جنبش کارگری دارد که تشکیل سندیکاهای مستقل از دولت را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. تأسیس سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران... و پیکار متحد کارگران در این سندیکاهای یک گام با ارزش و بزرگی است که رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. سرکوب مستمر این اتحادیه‌های نوپا و دستگیری رهبران آن نمی‌تواند خللی در اراده این کارگران شریف که از حمایت گسترده داخلی و بین‌المللی برخوردارند، وارد آورد. تنها اتحاد طبقاتی و تشکل این طبقه است که شرط نخست سایر موفقیت‌های وی به شمار می‌رود. چاره کارگران، حزب طبقه کارگر است که به دانش مارکسیسم لنینیسم مسلح باشد و باید از این طریق و فقط از این طریق منطقی و طبقاتی، مرگ نظام فترآور و نکبت بار سرمایه‌داری وحشی را فراهم آورند.

\* \* \* \* \*



## در حاشیه انتخابات قلابی و اعتراضات دانشجویان

### جلسه سخنرانی میرحسین موسوی در دانشگاه زنجان

بازار نمایش انتخاباتی دوره دهم گرم است. میرحسین موسوی روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت ماه برای سخنرانی در دانشگاه زنجان حضور پیدا کرد.

« به گزارش دانشجویان زنجان، چهار ساعت قبل از آغاز سخنرانی حزب مشارکت و مجاهدین زنجان سالن را با کسانی که پرچم‌های سبز در دست داشتند پر نموده و در جلوی درب ورودی جلسه نیز به کسانی که وارد می‌شدند پرچم سبز می‌دادند. جو این جلسه به شدت امنیتی بود و با استفاده از تعدادی از افراد غیر دانشجوی شهر، هر گونه حرکت مخالفی را سرکوب می‌کردند، به طوری که حتی اجازه ندادند دانشجویان پارچه‌هایی را که روی آن نوشته شده بود: < دانشگاه پادگان نیست > را به پیشانی خود ببندند. بنابر همین گزارش، چندین لیدر نیز در بین

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!**

جمعیت حضور داشتند تا شعارهای از پیش تعیین شده‌ای را سر دهند تا کسانی که در سالن با پرچم‌های سبز حضور داشتند آن‌ها را همراهی کنند. مسئولان انتظامات سالن که توسط ستاد میرحسین موسوی انتخاب شده بودند چندین ار اعضای انجمن‌های اسلامی و دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و دبیر انجمن اسلامی را از روی سن به پائین پرتاب نمودند و حتی اجازه ندادند دسته‌گلی که توسط نماینده کانون‌های فرهنگی دانشگاه تدارک دیده شده بود به میرحسین موسوی داده شود و آن را تکه تکه کردند چرا که محتوای سخنرانی وی بر ضد موسوی بود.» نقل از سایت امیر کبیر ۳۱ اردیبهشت.

نامزدهای غربال شده شورای نگهبان هیچ بخت و نفوذی در میان دانشجویان ندارند. به هر یک از دانشگاه‌های ایران قدم می‌گذارند با موج اعتراض و سئوالات متعدد سیاسی روبرو شده و دانشجویان جلسه انتخاباتی را برایشان زهرمار می‌کنند و اجازه نمی‌دهند آب خوش به گلویشان فرو رود. دانشجویان با صدور بیانیه‌ها و اعلامیه‌های سیاسی نظرات خویش را درمورد مضحکه انتخاباتی ابراز داشته و در کلیت خویش به عدم شرکت در انتخابات و تحریم آن فراخوان داده‌اند. در جلسه سخنرانی دانشگاه زنجان باندرول بزرگی با عنوان «**به علت قتل عام سال ۶۷، میرحسین موسوی در دادگاه ملت محکوم است**» بر افراشته شده بود. این باندرول بیانگر نفرت عمیق دانشجویان از میرحسین موسوی به عنوان نخست وزیر جنایتکار و امتحان پس داده جمهوری اسلامی است که در سیاه‌ترین دوران تاریخ سی ساله رژیم خون آشام اسلامی شریک سرکوب خونین، شکنجه و قتل عام ده‌ها هزار نفر از فرزندان ایران بوده است. این جنایات نفرت انگیز در حافظه تاریخ ثبت گردیده و **گورستان خاوران** سند زنده توحش و بربریت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است و آقای میرحسین موسوی نیز به عنوان نخست وزیر آن دوره مسئول و مقصر است و باید در دادگاه ملت ایران محاکمه و مجازات گردد.

طنز تاریخ را بنگرید که هواداران این عنصر کثیف و جنایتکار این روزها با سرقت فرهنگی و پخش سرود یار دبستانی و سر آمد زمستون که همواره توسط دانشجویان انقلابی و چپ سروده شده است می‌خواهند با رنگ و لعاب انقلابی و ترقی خواهی چهره سیاه و ارتجاعی میرحسین موسوی را آرایش کنند و به خورد عده‌ای از جوانان دهند. زهی خیال باطل!

این جلسه که با صرف هزینه‌های هنگفت برگزار شده بود در مدت کوتاهی به پایان رسید. موسوی درمقابل مباران سئوالات دانشجویان تاب نیاورد و در حدود ۵ دقیقه به سخنرانی پرداخت و تنها به یک سؤال از ۴ سؤال شفاهی مطرح شده، پاسخ داد که اکثر این پاسخ‌ها بی محتوا و ناروشن بود. دانشجویان سایر دانشگاه‌های ایران نیز با همین روحیه مبارزاتی از نامزدهای انتخاباتی پذیرائی می‌کنند و بارها محمود احمدی نژاد در جلسات سخنرانی با شعارهایی نظیر «**محمود احمدی نژاد عامل تبعیض و فساد**»، «**دانشجوی زندانی آزاد باید گردد**»، «**مرگ بر طالبان چه کابل چه تهران**»، **ننگ بر این دولت مردم فریب**»، «**دانشگاه پادگان نیست**»..... روبرو شده است. دانشجویان آگاه و مبارز ایران علیرغم جو ترور و خفقان حاکم می‌رزمند و به پای صندوق رأی انتخابات قلابی نخواهند رفت. شرکت در چنین انتخاباتی را توهین به شعور خود می‌دانند. پذیرائی دانشجویان مبارز از میرحسین موسوی در دانشگاه زنجان و شعار محاکمه وی در دادگاه ملت صحت مدعای سخن ماست.

**« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فنای مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند. »**

**مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست**

## گزارش مختصری از تظاهرات‌ها و اجتماعات اول ماه مه در کشورهای مختلف پاریس



### نزدیک به ۲۰۰۰۰۰ هزار نفر در تظاهرات پاریس شرکت کردند

طبق گزارش دریافتی از رفقای حزب کارایران (توفان) در فرانسه، امسال قریب به ۲۰۰۰۰۰ نفر در تظاهرات اول ماه مه در پاریس شرکت کردند. تظاهرات اول ماه مه با توجه به تشدید بحران مالی و سیاست‌های نئولیبرالی و ارتجاعی دولت سارکوزی از ویژه گی خاصی برخوردار بوده است. با فراخوان مشترک هشت سندیکای کارگری نزدیک به یک و نیم میلیون کارگر، زحمتکش، روشنفکر و جوانان در هشتاد شهر فرانسه به میدان آمدند و با فریاد نه به سیاست‌های ارتجاعی دولت دست راستی و سرمایه‌داری فرانسه و با شعار "هزینه بحران را خود سرمایه‌داران باید بپردازند"، سارکوزی دروغ گفت "از کیسه ما به بانک‌ها نپردازید".... بورژوازی فرانسه را به چالش گرفتند. رادیکالیزه شدن اعتراضات کارگری و روحیه تعرضی به کارفرمایان و صاحبان شرکت‌ها... نشان از تشدید مبارزه طبقاتی در فرانسه دارد و کارگران هر روز مصمم‌تر و قاطعانه‌تر برای تحقق حقوق خود و عقب راندن بورژوازی به میدان می‌آیند. تعداد شرکت‌کنندگان در تظاهرات امسال به مراتب بیشتر و گسترده‌تر از سال گذشته بود. در خلال یک سال اخیر رشد نازل اقتصادی، مشکلات مالی و صنعتی، کسری بودجه و کسری بازرگانی شدید تر گردیده است. کساد بازار و معضل اضافه تولید، سقوط روزانه نرخ بورس، ورشکستگی بانک‌های ریز و درشت، بنگاه‌های خرد و کلان، شرکت‌های مادر و دختر و... بالاگرفته است. با تعطیل بیشتر و گسترده‌تر واحدهای تولیدی و بازرگانی، بیکاری تمام آحاد مردم را در بر گرفته و در همین یکی دو ماه اخیر، روزی چند صد نفر به تعداد بیکاران افزوده شده است. تنزل دستمزد، افزایش قیمت، رونق مستمر فقر و خانه به دوشی... اینها همه باعث این گردیده است که امسال صف تظاهرکنندگان قوی‌تر از سال گذشته گردد و هر روز فرانسه به روز اول ماه مه تبدیل گردد. در تظاهرات اول ماه مه امسال جمعی از ایرانیان هوادار طبقه کارگر و آزادیخواه در پاریس نیز با تشکیل کمیته‌ای به طور متشکل در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند و با پخش اعلامیه و حمل پلاکاردهائی به افشای رژیم جمهوری اسلامی و روشنگری در مورد وضعیت کارگران در ایران پرداختند. فعالین حزب کار ایران نیز در این کمیته شرکت داشتند.



**زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## استکھلم



طبق گزارش رسیده، فعالین حزب کار ایران (توفان) واحد استکھلم با حمل پرچم حزب و به صورت متشکل و سازمان یافته در تظاهراتی که توسط حزب کمونیست سوئد سازماندهی گردیده بود شرکت نمودند. تظاهرکنندگان ابتدا در میدان "مینت توریت" تجمع نموده و سپس به سوی میدان مرکزی استکھلم، میدان "سرگل" به حرکت در آمدند. شعارهایی که فریاد زده میشد بیانگر اعلان جنگ طبقاتی به بورژوازی و امپریالیسم و همبستگی با خلق‌های تحت ستم بود. شعار "طبقه علیه طبقه"، شعاری بود که کارگران در نخستین تظاهرات اول ماه مه خود در ۱۲۳ سال پیش طرح کرده بودند و بیان آن امروز در مقابل زوزه های آشتی طبقاتی سوسیال رفرمیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها برجستگی خاصی به صف کمونیست‌ها میداد. شعار "بار بحران را باید غارتگران بپردازند"، "نابود باد سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم"، "بیکاری را متوقف کنید"، "علیه کاهش دستمزد"،... از دیگر شعارهای تظاهرات بود. در شرایطی که تمامی رسانه‌های بورژوازی در مورد اشغال عراق، افغانستان، فلسطین سکوت مرگ پیشه کرده و با جعل و دروغ به توجیه اشغال بربرمنشانه این کشورها مشغولند و در شرایطی که اپوزیسیون بورژوا رفرمیست سوئد نظیر حزب چپ سوئد و سوسیال دموکرات‌ها برای بالا بردن آراء خود و جلب افکار عمومی به مسائل پیش پا افتاده مشغولند و روح همبستگی را تهی ساخته و اهمیتی در عمل به مبارزات قهرمانانه مردم عراق و افغانستان و فلسطین نمی دهند، یکی از شعارهای اساسی و مهم تظاهرات اول ماه مه حزب کمونیست "تحریم اسرائیل و همبستگی با خلق قهرمان فلسطین بود". شعار خروج بی قید و شرط قوای متجاوز از عراق، تحت عنوان، "آمریکا از عراق بیرون"، "نابود باد امپریالیسم"، "زنده باد همبستگی بین المللی...." شعارهای دیگری بود که در طول تظاهرات فریاد زده میشد. فعالین حزب کار ایران (توفان) واحد استکھلم با پخش وسیع اعلامیه به زبان سوئدی و همین طور با پخش نشریات توفان و اعلامیه فارسی بین ایرانیان، فعالانه در تظاهرات اول ماه مه شرکت کرده و همبستگی خود را با طبقه کارگر و خلق‌های تحت ستم جهان ابراز داشتند.

### گزارش هواداران حزب کار ایران (توفان) از برگزاری اول ماه مه در هلند



صحنه ای از تظاهرات اول ماه مه در هلند



امسال به ابتکار نیروهای مبارز و انقلابی متشکل از کمیته‌ی میزکتاب آمستردام، کانون حمایت از جنبش کارگری ایران، کانون دانشجویان ایرانی - هلند، IKA سنتر، صدای زن، تشکل زنان ۸ مارس و خانه‌ی هنر - هلند با تشکیل "کمیته‌ی اول ماه مه" به برپایی جشنی در میدان بورس آمستردام پرداختند. لازم به توضیح است که در آمستردام بیش از ده سال بود که مراسم اول ماه مه برگزار نمی‌شد. اینهمه نیز حقیقت دارد که هنوز بعد از ۱۲۳ سال از برگزاری اول ماه مه در جهان، روز اول ماه مه به عنوان یک روز تعطیل و رسمیت یافته از طرف دولت هلند مورد قبول واقع نشده است. گویا در هلند نیز آیت‌الله‌های عمامه به سر جمهوری اسلامی ایران و یا نظام ستم شاهی پهلوی حکومت میکنند.



### صحنه‌ای از اجرای سرود انترناسیونال در میدان شهر

در چنین شرایطی برگزاری اول ماه مه توسط کمیته‌ی اول ماه مه در هلند، یک گام به پیش است. در این روز اطلاعیه‌ی کمیته‌ی برگزاری اول ماه مه به طور وسیع به زبان هلندی و انگلیسی بین مردم پخش گردید. مردم استقبال خوبی از برگزاری اول ماه مه به عمل آوردند و همراه با شرکت کنندگان به خواندن سرود انترناسیونال پرداختند. در اینجا کمیته‌ی برگزاری اول ماه مه از همگان دعوت نمود تا در تظاهرات و جشن اول ماه مه در روتردام شرکت کنند. از آنجا که برگزاری اول ماه مه در آمستردام مورد استقبال مردم قرار گرفته بود، قرار بر این شد که سال آینده نیز مشترکاً به برگزاری وسیع‌تر و با شکوه‌تر اول ماه مه وحدت عمل به عمل آید. زنده باد روز جهانی کارگر، نابود باد ارتجاع، سرمایه‌داری و امپریالیسم!

\*\*\*\*\*

### گزارش هواداران حزب کار ایران (توفان) از تظاهرات اول ماه مه در آمریکا





امسال استوارتر از سال گذشته، در بسیاری از شهرهای کوچک و بزرگ آمریکا تظاهرات ماه مه برگزار شد. سیاست‌های نئولیبرالی دولت بوش تأثیرات بسیار مخربی بر زندگی مردم آمریکا به ویژه بر کارگران داشته است. بیش از ۲۰ میلیون کارگر بیکار و نیمه کار، افزایش سریع قیمت‌ها، افزایش بیکاری عمومی از اقصای متفاوت جامعه، بحران وسیع در مسکن و بهداشت، بحران اضافه تولید و... اعتراضات وسیعی را در جامعه دامن زده است. با وجودی که اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر توسط دولت آمریکا به رسمیت شناخته نشده و روز تعطیل عمومی نیست و سرمایه‌داری آمریکا برای زدودن جنایاتش در اول ماه مه ۱۸۸۶ در شیکاگو از خاطره طبقه کارگر اولین دوشنبه ماه سپتامبر را به عنوان "روز کار" در مقابل روز جهانی کارگر علم کرده است ولی هزاران نفر در شهرهای مختلف آمریکا به خیابان‌ها آمدند و برای مطالبات دموکراتیک خود و بر علیه تهاجم ضد مردمی سرمایه‌داران دست به تظاهرات زدند.

در شهر لوس آنجلس حدود ده هزار نفر که اکثراً مهاجرین از مکزیک و آمریکای لاتین و آسیا بودند فریاد می‌زدند "کارگران، متحد"، "زننده باد مبارزه مشترک"، "یورش پلیس به محل زندگی مهاجران را متوقف کنید" و "برای همبستگی کارگران بر علیه سرکوب دولتی". بسیاری از تظاهر کنندگان با شعار "اوباما، گوش کن، ما برای مبارزه در صحنه‌ایم" عدم رضایت خود را از سیاست‌های دولت جدید اوباما ابراز می‌داشتند. از چند سال گذشته تا کنون، کارگران مهاجر در بعد وسیعی در تظاهرات ماه مه شرکت می‌کنند و خواهان پایان دادن به استثمار و حشیانه مهاجرین هستند. اکثر مطالبات آنها بر حقوق دموکراتیک کارگران مهاجر تمرکز دارد. تظاهرات امسال در شهر لوس آنجلس نسبت به تظاهرات ۳ سال پیش به دلایل مختلف منجمله لولوی "انفلازای خوکی" بسیار کوچک تر بود.

در شهر نیویورک علیرغم باران شدید و فضای ترس از اپیدمی آنفلازای خوکی و تعطیلی بعضی از مدارس، هزاران نفر با پرچم و پلاکاردهای رنگارنگ و رقص و موسیقی و کوبیدن بر طبل، ماه مه را گرامی داشتند. شرکت کنندگان در تظاهرات مطالبات "حقوق برابر برای همه"، "قانونی کردن مهاجرین"، "مبارزه بر علیه جنگ، نژاد پرستی، استثمار و بی عدالتی"، "حقوق مهاجران و کارگران را به رسمیت بشناسید"، "یک بشریت، یک مبارزه" و "کارگران - اتحادیه‌ای یا غیر اتحادیه‌ای - قانونی یا غیر قانونی، متحد شوید" را فریاد می‌زدند. دست فروشان و کمیته‌های محلی مربوط به مهاجرین در تظاهرات شرکت کرده و با صدای بلند شعار میدادند که "نه باران و نه تهدید دولتی و نه حمله به مهاجرین، ما را از مبارزه برای حقوق خود باز میدارد".

در شیکاگو چندین هزار کارگر دست به تظاهرات زده و فریاد می‌زدند "آزادی و برابری برای همه کارگران" و "ما مشکل مهاجرت نداریم، ما مشکل سرمایه‌داری داریم". در میلوکی در ایالت ویسکانسین بیش از ۲۵۰۰۰ نفر دست به تظاهرات زدند. مهاجرین و دانشجویان دانشگاه ویسکانسین و کارگران اتحادیه‌ها در این تظاهرات شرکت داشتند. بر روی پلاکاردها شعارهای "همبستگی با مهاجرین، هیچ انسانی غیر قانونی نیست" به خوبی مشاهده میشد. در شهر دیترویت میشیگان بیش از ۸۰۰۰ در رژه ماه مه شرکت داشتند. بر روی بعضی از پلاکاردها شعار "قوانین مهاجرت را تغییر دهید، مهاجرین را قانونی کنید" مشهود بود.

"شبکه ملی همبستگی مهاجرین"، با صدور اطلاعیه‌ای از مردم خواسته بود که فعالانه در مراسم روز ماه مه شرکت کنند. یکی از خواست‌های این شبکه در شعار "نه به ملیت‌ریزه کردن مرزهای کشور" خلاصه شده است. هم چنین شهرهای مختلف ایالات تگزاس، کانزاس، فلوریدا، ماساچوست، واشنگتن دی سی، پنسیلوانیا، و کنتاکی شاهد برگزاری مراسم روز جهانی کارگران بودند. هواداران حزب کارایران (توفان) با شرکت در تظاهرات اول ماه مه و پخش اعلامیه با طبقه کارگر جهانی و خلق‌های گیتی ابراز همبستگی نمودند.

**زننده باد انترناسیونالیسم پرولتری! مرگ بر سرمایه داری، فاشیسم، صهیونیسم و امپریالیسم!**

## آلمان



فعالین حزب در چندین شهر آلمان از جمله در شهرهای فرانکفورت، کلن و برلین و ... فعالانه در تظاهرات روز جهانی کارگر شرکت داشتند و با پخش وسیع اعلامیه به زبان آلمانی و هم چنین پخش بیانیه فارسی و نشریات توفان بین ایرانیان و برگزاری میز کتاب به تبلیغ سیاست‌های حزب پرداختند.

سیاست‌های نئولیبرالی دولت آلمان و اثرات بحران سرمایه‌داری و گسترش بیکاری و شکاف طبقاتی تعداد وسیع تری از کارگران و مردم را به صف تظاهرات امسال کشانده است. شعارهایی از قبیل: "سرمایه‌داری، عامل بحران و بیکاری"، "ما هزینه بحران را نمی پردازیم"، "بیکاری را متوقف کنید" .. "علیه کاپیتالیسم، علیه جنگ"، "زنده باد همبستگی بین المللی، زنده باد سوسیالیسم"، ... از جمله شعارهایی بودند که درباندرول‌ها و پلاکاردها به چشم می خوردند.

\* \* \* \* \*

## اخراج علی نجاتی و احکام صادره برای کارگران هفت تپه را قویا محکوم میکنیم

مطابق خبر منتشره از طرف کمیته دفاع از کارگران هفت تپه مورخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۸ «علی نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از ۱۸ اسفند تا ۲۵ فروردین ۸۸ در بازداشت و تحت بازجویی اطلاعات قرار گرفت. وی پس از آن که با قرار کفالت آزاد شد نامه اخراج از طرف شرکت نیشکر هفت تپه دریافت نمود که در آن نامه اعلام شده است ایشان از تاریخ ۸ فروردین ۸۸ از کار خود اخراج شده است. با وجود این که دادگاه انقلاب شهرستان شوش نامه‌ای صادر کرده است که نشان می دهد علی نجاتی در این مدت در بازداشت دستگاه قضائی - امنیتی بوده است و طبق قوانین موجود، در صورت عدم حضور وی در محل کار غیبت محسوب نمی شود، مدیران نیشکر به بهانه غیبت، وی را از کار اخراج کرده‌اند. هم چنین طی حکمی که از دادگاه به وکیل ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره تسلیم شده است، برای آقایان علی نجاتی، جلیل احمدی، فریدون نیکوفرد و قربان علی پور یک سال زندان (۶ ماه تعزیری و ۶ ماه تعلیقی) و ۵ سال ممانعت از شرکت در هر گونه انتخابات کارگری و برای آقای محمد حیدری مهر ۱ سال زندان (۸ ماه تعلیقی و ۴ ماه تعزیری) و ۳ سال ممانعت از شرکت در هر گونه انتخابات نمایندگی کارگری صادر شده است. هم چنین در حکم صادره علت این احکام "ایجاد سندیکای خارج از قانون" و پاره ای از اتهامات واهی اعلام شده است.»

این نخستین بار نیست که رژیم ضد کارگری و سرمایه‌داری جمهوری اسلامی دست به بازداشت و آزار و اذیت و پرونده سازی علیه فعالین کارگری می زند. رژیم جمهوری اسلامی از روی ضعف و استیصال و برای زهرچشم گرفتن از مبارزین کارگری و خانه نشین کردن آنها به اخراج، ترور و ارباب متوسل میگردد تا از این

طریق مانع رشد جنبش و تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری گردد. جمهوری اسلامی هم چنان که تا کنون عمل کرده است بقای منحوس خویش را در سرکوب وحشیانه و ضد انسانی کارگران و زحمتکشان می بیند. اخراج علی نجاتی و احکام صادره علیه کارگران هفت تپه در شرایطی صورت می گیرد که رژیم جمهوری اسلامی در تدارک برگزاری دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوریست و شرمی هم ندارد که کارگران را به شرکت در این نمایش ضد دموکراتیک دعوت کند.

حزب کار ایران (توفان) ضمن محکوم کردن اخراج علی نجاتی و احکام صادره برای ایشان و سایر اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از همه سازمان‌ها و احزاب مترقی و انسان دوست بین المللی به ویژه احزاب مارکسیست لنینیست برادر می‌خواهد که با محکوم کردن این اقدام ضد انسانی تمام تلاش خود را برای دفاع از کارگران مبارز به کار گیرند و از هیچ کوششی برای آزادی کارگران در بند دریغ نورزند. تنها در سایه تشدید مبارزه و پیکار بی امان و متحدانه کارگران است که می توان توطئه‌های رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری و نیروهای ترقی خواه را درهم شکست رژیمی که پاسخ نان، کار، آزادی بیان و تشکل کارگران را با چنین شیوه‌های فاشیستی و سرکوبگرانه دهد، فرجامی جز مرگ و نیستی در انتظارش نخواهد بود.

## زنده باد همبستگی با کارگران ایران! مرگ بر رژیم سرمایه‌داری و ضد کارگری جمهوری اسلامی! حزب کار ایران (توفان) دوم خرداد ماه ۱۳۸۸

\* \* \* \* \*

### کارگر زندانی آزاد باید گردد!



منصور حیات غیبی همایون جابری غلامرضا خانی جعفر عظیم زاده شاپور احسانی راد



علیرضا ثقفی سعید یوزی محمد اشرفی بهرام عابدینی

در اعتراض به دستگیری و ضرب و شتم کارگران در اول ماه مه در ایران نامه‌ای به انگلیسی از طرف دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان) خطاب به احزاب برادر، سازمان‌ها و نهادهای مترقی و بشردوست ارسال شده و آنها را در حمایت از کارگران و محکوم نمودن اعمال وحشیانه و ضد کارگری رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی فرا خوانده است. ترجمه فارسی این فراخوان را در زیر ملاحظه فرمائید.

## هجوم وحشیانه به تظاهرات اول ماه مه را محکوم کنید! آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی

## خطاب به احزاب برادر و سازمان‌ها، احزاب، و شخصیت‌های انقلابی و مترقی

### رفقای گرامی !

روز اول ماه مه ۲۰۰۹ کارگران ایران که در حال گردهمایی در پارک لاله تهران برای برگزاری روز جهانی کارگر بودند مورد هجوم وحشیانه نیروهای امنیتی - اطلاعاتی و پلیس و لباس شخصی‌های رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفتند. نیروهای سرکوبگر رژیم به ضرب و شتم جمعیت ۲۰۰۰ نفری که در پارک گرد آمده بودند پرداخته و تعدادی را مجروح نموده و بیش از ۱۵۰ نفر زن و مرد را دستگیر کردند. تظاهرات ماه مه توسط چندین تشکیلات و سندیکای مستقل کارگری تدارک دیده شده بود و "کمیته برگزاری" تظاهرات چند هفته در مورد آن تبلیغ کرده و مردم را به مراسم روز جهانی کارگر دعوت نموده بود. چند روز قبل از اول ماه مه، نیروهای امنیتی رژیم، فعالین کارگری را مورد تهدید قرار داده و از طریق تلفن به خانواده آنها، سعی کردند که از برگزاری مراسم ماه مه جلوگیری کنند. هم چنین نیروی حراست بعضی از کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ برای شناسائی شرکت کنندگان در تظاهرات گسیل شده بودند. پلیس و نیروهای امنیتی رژیم از کارگران شرکت کننده در مراسم وسیعاً عکس و فیلم برداری کردند.

هم چنین تظاهرات ماه مه در شهر سنندج هم مورد هجوم اوباشان جمهوری اسلامی قرار گرفت و ۶ فعال کارگری دستگیر شدند.

در ادامه این حملات، پلیس جمهوری اسلامی به جلسه اعضای تعاونی مصرف کارگران فلزکار مکانیک هجوم برده و تعدادی را با خود به بازداشتگاه می برند.

حزب کار ایران (توفان) هجوم به شرکت کنندگان در مراسم ماه مه در تهران و سنندج را شدیداً محکوم میکند. ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط بازداشت شدگان هستیم. ما خواهان آزادی همه زندانیان سیاسی و فعالین کارگری از زندان‌های جمهوری اسلامی ایران هستیم.

### رفقای گرامی !

در سال‌های اخیر و در نتیجه مبارزه مستمر و چند ساله بر علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، فعالین کارگری ایران موفق شده‌اند چند سندیکای کارگری مستقل تشکیل دهند. رژیم سرکوبگر اسلامی از سال‌های ۱۹۸۰ تا کنون فعالین کارگری را که سعی در برگزاری تظاهرات اول ماه مه کرده‌اند مورد تهدید قرار داده و سرکوب کرده است. در ایران هر نوع فعالیتی در زمینه تشکیل سندیکا و اتحادیه و تجمع کارگری ممنوع است و کارگرانی که دست به چنین فعالیت‌هایی زده‌اند را رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی شکنجه کرده، در ملاء عام شلاق زده، و آنها را در زندان‌های مخوف به اسارت گرفته است. منصور اسالو، محمود صالحی، علی نجاتی، فرزاد کمانگر و.... نمونه‌هایی از این فعالین به زندان افتاده‌اند.

تظاهرات ماه مه امسال توسط چندین نهاد و کانون کارگری مستقل برنامه ریزی شده بود. در پاسخ به این تحول، رژیم حامی سرمایه‌دار ایران سرکوب فعالین کارگری را تشدید کرده است. اول ماه مه امسال در پارک لاله، رژیم از باتوم، شوک الکتریکی، و گاز فلفل استفاده نمود تا بتواند کارگران در پارک را متفرق نماید. بازداشت شدگان که از رده‌های سنی مختلف هستند را به زندان مخوف اوین بردند و با خانواده بازداشت شدگان که برای اطلاع از سرنوشت اعضای خود به دادگاه انقلاب اسلامی رجوع کرده‌اند بد رفتاری شده و به آنها گفته‌اند که مسئولین برای آزادی موقت هر کدام از دستگیر شدگان مبلغ ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان (!! ) وثیقه تعیین کرده‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران هرگز حقوق کارگران در تشکیل سندیکا و مجمع عمومی و اعتصاب را به رسمیت نشناخت و به آن احترام نگذاشت. بلکه برعکس، رژیم ایران با قبول دستورات سازمان تجارت جهانی بر شدت نقض حقوق اولیه و حتی سرکوب کارگران افزود. بیانیه "کمیته برگزاری" مراسم روز جهانی کارگر بر بعضی از این مسائل انگشت گذاشته و اعلام داشت که:

"امسال ما کارگران مراسم اول ماه مه را در شرایطی برگزار می کنیم که نظام سرمایه‌داری در گرداب يك بحران عظیم اقتصادی ویران کننده تری فرو رفته است و....."، "بحران عظیم اقتصادی موجود و عجز دولت‌های سرمایه‌داری در مهار آن و سر ریز کردن بار این بحران بر دوش کارگران جهان،... " و.....

بیانیه در مورد مطالبات کارگران اعلام میدارد که:

- تأمین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و.....
- ..... و مصرانه خواهان افزایش فوری حداقل دستمزدها براساس.....
- برپائی تشکل‌های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع و آزادی بیان حق مسلم ماست.....
- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه‌ای باید متوقف گردد.....
- ما خواهان برابری حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان هستیم .
- ما خواهان آزادی کلیه کارگران زندانی از جمله منصور اسالو و ابراهیم مددی و لغو کلیه احکام صادره و توقف پیگردهای قضائی و امنیتی علیه فعالین کارگری هستیم .
- ما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و اخراج و تحمیل بی حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها را به هر بهانه‌ای محکوم می کنیم .
- ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت‌های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته‌های کارگران در سراسر جهان، خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه‌داری تأکید می کنیم .

## رفقای گرامی !

مطالبات تشکل‌ها و کانون‌های مستقل کارگری در ایران، مطالبات میلیون‌ها کارگر زن و مرد که سالیان طولانی در شرایط بسیار سخت به سر برده‌اند می باشد. این مطالبات از حمایت تمامی اقشار جامعه که برای حقوق سرکوب شده خود مبارزه میکنند، بر خوردار است. حزب کار ایران (توفان) از همه احزاب برادر و سازمان‌ها و شخصیت‌های مترقی می خواهد که به هر شکلی که مناسب می دانند رژیم ایران را برای هجوم به تظاهرات روز جهانی کارگر و ضرب و شتم و دستگیری فعالین کارگری محکوم نمایند و آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان را مطالبه نمایند. حمله به شرکت کنندگان در تظاهرات ماه مه در ایران حمله به تمامی کارگران زن و مرد جهان است.

## زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!

### دفتر خارجی حزب کار ایران (توفان)

۶ ماه مه ۲۰۰۹

[WWW.Toufan.org](http://WWW.Toufan.org)

[Toufan@touan.org](mailto:Toufan@touan.org)



این نامه هم چنین به بیش از ۵۰ حزب و سازمان مدافع حقوق کارگران ارسال شده است.

### احزاب برادر

حزب کمونیست کارگران فرانسه  
 حزب کمونیست کارگران دانمارک  
 حزب کمونیست انقلابی ترکیه  
 حزب کمونیست مارکسیست لنینیست اکوادور  
 حزب کمونیست شیلی (آکسیون پرولتاریائی)  
 حزب کمونیست انقلابی برزیل  
 حزب کمونیست کلمبیا (مارکسیست لنینیست)  
 حزب کمونیست کارگران تونس  
 سازمان مارکسیست لنینیست انقلاب نروژ  
 سازمان مارکسیستی لنینیستی برای احیای حزب کمونیست ایتالیا  
 حزب کمونیست آلمان  
 حزب کمونیست مکزیک (مارکسیست لنینیست)  
 حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست لنینیست)  
 سازمان مارکسیستی لنینیستی برای احیای حزب کمونیست یونان  
 حزب کمونیست کار جمهوری دومینیکن  
 حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج  
 حزب کمونیست ولتائیک (بورکینا فاسو)  
 انتشارات انقلابی دمکراتیک (هندوستان)

### **احزاب انقلابی و چپ**

حزب کمونیست سوند KP  
 حزب کمونیست (م ل) فنلاند  
 حزب کمونیست (م ل) بنگلادش  
 حزب اتحاد مرکز سوسیالیست هندوستان  
 حزب کمونیست مارکسیست لنینیست (کردستان شمالی)  
 حزب کارترکیه

## همبستگی کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز با کارگران

بیانیه زیر از طرف کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز در همبستگی و دفاع از کارگران دستگیر شده در پارک لاله است که به دفتر حزب ما ارسال شده و ما مبادرت به چاپ آن در توفان الکترونیکی می نمایم

### هیت تحریریه

### بیانیه‌ی کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز

۱۷ روز از دستگیری گسترده‌ی روز کارگر می گذرد و تا کنون اطلاعی از وضعیت اکثر بازداشت شدگان در دست نیست. اول ماه امسال بار دیگر شاهد یورش نیروهای امنیتی به تجمع مسالمت آمیز مردم بودیم. این بار پارک لاله‌ی تهران محل تجمع افرادی بود که در پی فراخوان تشکل‌های کارگری - اجتماعی از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و ... در محل حضور پیدا کرده بودند. حاضران در این تجمع را دانشجویان و فعالین مستقل کارگری و جنبش زنان، و دیگر فعالین سیاسی و اجتماعی تشکیل می دادند که خواستند تنها جلوه‌ی بیرونی روز جهانی کارگر از دریچه‌ی تریبون‌های دولتی و در نصب بنرهای سفارشی دستگاه‌های حکومتی در "تکریم" کارگران خلاصه شود. با این که تشکیل چنین تجمعاتی از نظر به اصطلاح "قانونی" هیچ اشکالی ندارد، اما با یورش به افراد حاضر در پارک لاله، آنان را به فجیع ترین صورت مضروب و دستگیر کرده‌اند. دامنه‌ی این دستگیری‌ها تنها محدود به افراد حاضر در تجمع نبود بلکه افرادی از خانه و محل کار خود نیز دستگیر شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که بیش از ۱۰۰ نفر در این مراسم بازداشت شده‌اند. این افراد پس از انتقال به بازداشتگاه اوین ارتباطی با خانواده‌های خود نداشته‌اند. این همه در حالی رخ می دهد که کشور در تب گنگ انتخابات ریاست جمهوری به سر می برد. فضای سیاسی کاری‌های جلف و رنگ و رو رفته و بازی‌های دست مالی شده‌ی تکراری!! صدور کلمات قصار از امنیتی‌های دیروز و دموکرات‌های امروز و تنها "حرف" از احترام به آزادی‌های فردی - سیاسی، آزادی بیان، مطبوعات، احترام به حقوق کارگران، زنان، معلمان و زحمتکشان. اصلاح طلبان انحصار طلب حتی حاضر نشدند خبری از این حمله‌ی وحشیانه را در سایت‌های زنجیره‌ایشان پوشش دهند. گوش فلک از ندای دموکراسی خواهی کر شده اما گویا دایره‌ی این دموکراسی خواهی تنها همان قدر است که بازگشت دوباره بر سر سفره‌ی قدرت را تضمین کند. البته طبیعی است که از این قدرت طلبان این‌الوقت نباید هیچ گاه انتظاری داشت چه از شیخ پر حرفش و چه از پوپولیست هنرمندش. کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز بنا به وظیفه‌ی انسانی اجتماعی خود با دفاع از حق برگزاری تجمعات و محکوم کردن بازداشت‌های این چنینی خواستار آزادی بی قید و شرط و هر چه سریع تر دستگیرشدگان و پاسخ گوئی مسئولان این عمل وحشیانه است. در جامعه‌ای که تضاد طبقاتی در آن بیداد می کند و حتی نام بردن از نام "کارگر" (در وسیع ترین معنای آن) چنین سرکوب می شود، تقلیل سیاست به افاضات روشنفکرانه‌ی نیروهای امنیتی دیروز و اصلاح طلبان امروز حقیقتاً خائنانه ترین رفتاری است که می شود پیشه کرد. و در آخر ما سکوت را نشانه‌ی همدستی با سرکوبگران می دانیم و همه‌ی فعالین نهادهای اجتماعی را به اعتراض علیه‌ی این سرکوب فرا می خوانیم.

کانون وحدت دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز

۸۸/۰۲/۲۸

**زنده باد پیوند و اتحاد دانشجویان سراسر ایران با کارگران!**



বাংলাদেশের কমিউনিস্ট পার্টি (এম-এল)  
Communist Party of Bangladesh (M-L)

Ismail Mansion, 9/H Motijheel C/A, Room No-405, Dhaka- 1000, Bangladesh, Phone: +88-02-9559980

## نامه اعتراضی حزب کمونیست بنگلادش (مارکسیست لنینیست) به سفارت و مقامات جمهوری اسلامی

### دستگیری و سرکوب کارگران را محکوم می کنیم کارگران دربند را فوراً و بی قید و شرط آزاد کنید!

در پی انتشار فراخوان بین المللی دفتر خارجی حزب کارگران (توفان) در دفاع از کارگران ایران و محکوم نمودن رژیم جمهوری اسلامی و آزادی کارگران زندانی اول ماه مه در پارک لاله، بسیاری از احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی با انتشار اعلامیه و نامه های اعتراضی به سفارتخانه ها و مقامات ایران، اعمال وحشیانه و ضد کارگری جمهوری اسلامی را محکوم و خواهان آزادی تمامی دستگیرشدگان گردیدند. نامه اعتراضی زیر توسط حزب کمونیست بنگلادش (م ل) صادر گردیده و به سفارت و مقامات جمهوری اسلامی ارسال شده است.

### سرکوب و دستگیری کارگران را محکوم می کنیم

حزب کمونیست بنگلادش (م ل) حمله وحشیانه به تظاهرات کارگران در پارک لاله را قویاً محکوم می کند. اول ماه مه روز رهائی کارگران است. اول ماه مه روز فریاد طبقه کارگر و طرح مطالبات وی است. تمام کارگران و زحمتکشان جهان توجه خاصی به روز اول ماه مه دارند و با میتینگ و تظاهرات ابراز وجود می کنند. روز اول ماه مه یک حق دموکراتیک و رسمیت یافته جهانی است و هجوم به کارگران و دستگیری آنان در تظاهرات اول ماه مه نقض کنوانسیون سازمان جهانی کار است.

ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی دستگیرشدگان اول ماه مه هستیم. ما هم چنین خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی و فعالین سندیکائی و کارگری از زندان های جمهوری اسلامی می باشیم.

پاتهاک لال گولدر

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش (م ل)

۱۶ مه ۲۰۰۹

زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

## آغاز فروپاشی سوسیالیسم در شوروی (پایان) یک بازنگری مجدد

### ماهی از سر می‌گردد

#### طبقه نوحاسته سرمایه‌داری در شوروی پس از کسب قدرت سیاسی توسط رویونیست‌ها و فساد از بالا پدید آمد

بورژوازی در قدرت، کارخانه، زمین، پول، ارتباطات، ارتش، پلیس، زندان، سازمان امنیت، ویلاها و... خود را دارد و در سراسر جامعه انگشت نما و قابل لمس است. دولت‌ش می‌تواند رسانه‌های گروهی را به کار گیرد و بورژوازی را برای نمایشات اعتراضی به خیابان‌ها بکشانند و توسط آنها خرده بورژوازی متزلزل را مسلح کند و بر ضد طبقه کارگر به کار گیرد. دشمن طبقاتی در مقابل شما به صورت فیزیکی صف آرائی کرده است و شما در میدان جنگ می‌دانید چه کسی را و چگونه و از کدام جناح و با کدام قدرت آتشبار مورد حمله قرار دهید. در مورد "بورژوازی سرنگون شده" که طبقه‌ای است فاقد وسایل تولید و قدرت سیاسی و وسایل ارتباط جمعی و پراکندگی سازمانی، وضع به این صورت نیست. سازمان بورژوازی بر هم می‌ریزد، فاقد ارتش و پلیس و سازمان امنیت و دستگاه قضائی و تبلیغاتی است. بورژوازی سرنگون شده در حقیقت بورژوازی متلاشی شده است. قدرت این بورژوازی متلاشی و فروپاشیده در بینش سنتی وی، در عادت کهنه مردم، در جهل عمومی و تبلیغات خارجی نهفته است. شکل طبقات و شکل مبارزه طبقاتی باید به کلی فرق کند و منطبق با شرایط جدید گردد. این فرق را استالین دید و متناسب با آن به مبارزه طبقاتی ادامه داد. برخی مفهوم طبقات و مبارزه طبقاتی را مخلوط می‌کنند. این تفاوت در جامعه سوسیالیستی شوروی به روشنی معلوم است. بورژوازی به مثابه طبقه معدوم شده ولی مبارزه طبقاتی از بین نرفته است. حزب کمونیست به منزله حزب طبقه کارگر بر سر کار است، دیکتاتوری پرولتاریا به منزله عامل سرکوب دشمن طبقاتی، خرابکاران، گروه‌های آدمکش و جاسوسان کار خویش را به پیش می‌برد. افراد پراکنده طبقه مسلط گذشته اکنون به صورت خرابکار و تروریست ظاهر می‌شوند و نه به صورت نمایشات توده‌ای. آنها برای دشمنان خارجی جاسوسی می‌کنند، در تولید و دانشگاه اخلاص می‌کنند، آنها پلاتفرمی برای مبارزه با حزب کمونیست ندارند کارشان پچ پچ و بدگوئی و ایجاد افکار عمومی از راه درگوشی و جعل تاریخ است. تروتسکیست‌ها بهترین نمونه این تفاله‌ها هستند. کار آنها نفوذ در حزب، نفوذ در دستگاه دولتی، به کف آوردن بوروکراسی است تا با ایجاد فساد در دستگاه دولتی و حزبی ماهیت دیکتاتوری پرولتاریا را تغییر دهند. طبقه‌ای که از این تلاش به وجود می‌آید، طبقه نوحاسته‌ای است که مالک وسایل تولید نیست ولی از نظر رفاه اجتماعی و نقشی که در جایگاه توزیع ثروت‌های جامعه اشغال کرده است از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است. این طبقه نوحاسته، بوروکراسی دولتی را به خدمت خود گرفته است. **ماهی از سر گندیده است و تئوری‌های رویونیستی این طبقه که نظریات جدیدی نیست ساخته و پرداخته ذهن‌هایی هستند که می‌خواهند وضعیت جدید خود را توجیه کنند و آن را ابدی جلوه دهند. این دستگاه مافیائی بود که فروپاشی شوروی را موجب شد. این سخنان را ما از آن جهت نمی‌گوئیم که قصد داشته باشیم "متعصبانه" از استالین دفاع کنیم. هرگز! سخن بر سر جوامع آتی سوسیالیستی در جهان است. سخن بر سر ایران سوسیالیستی است. آیا در ایران سوسیالیستی نیز ما می‌توانیم پس از سرنگونی بورژوازی مدعی شویم که طبقات در ایران هنوز موجود است و آب از آب تکان نخورده است؟ پس برای چه انقلاب کردیم؟ مگر قرار نبود طبقات را از بین ببریم؟ نابودی طبقات پس به چه مفهوم است؟ مگر مارکسیسم به ما نیاموخته که برای محو طبقات باید تمام شرایط مادی رشد آن را که ریشه در تولید جامعه دارد از بین برد؟ در شوروی این کار شد و در ایران آینده هم این کار می‌شود. نه در ایران و نه در شوروی نمی‌شود دون کیشوت وار توده‌های کارگر را علیه طبقه بورژوازی که حضورش در صحنه معلوم نیست بسیج کرد. در این بسیج، شما هم از حمایت دولت، حمایت ارتش، حمایت پلیس، حمایت سازمان امنیت و اتحادیه‌های کارگری و هم از حمایت سازمان‌های دموکراتیک برخوردارید ولی دشمن شما شکل فیزیکی به عنوان طبقه ندارد. شما در کدام عرصه مبارزات طبقاتی یعنی در عرصه‌های سه گانه سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیک می‌خواهید این مبارزه را به پیش برید؟ آیا به جز عرصه**

مبارزه ایدئولوژیک راه دیگری می ماند؟ پس مبارزه طبقاتی در عین محور طبقات به مفهوم کلاسیک ادامه دارد و این مبارزه به طور عمده در عرصه مبارزه ایدئولوژیک صورت می گیرد. مبارزه‌های سخت، طولانی علیه عمال خرابکار و پر از مکر و حيله دشمن. در شوروی انقلاب فرهنگی عظیمی صورت گرفت، مدارس و دانشگاه‌ها مجانی شدند، به آموزش و پرورش اهمیت خاص داده شد، شوروی برای کودکان بهشت بود. سانسور کتب از میان رفت و کسی را دیگر به جرم خواندن کتب کمونیستی زندانی نکرده و شکنجه نمی دادند. کلاس‌های تدریس دروس کمونیستی و دانشگاه‌های کمونیستی تأسیس شد. امر پژوهش به یک امر ملی بدل گردید. تاریخ جهان بر اساس اصول مبارزه طبقاتی تنظیم شد و مهرش را بر تاریخ بشریت زد. اردوگاه‌های جوانان برای کار فرهنگی و ایدئولوژیک پدید آمد، هنر و ادبیات از ریشه تغییر کرد و در تمام این عرصه‌های نظری و جهان بینی مبارزه سختی درگرفت و ادامه یافت. دولت شوروی در عرصه فن آوری به اوج قدرت و توانائی رسید، نیروگاه‌های اتمی بنا کرد، به فن آوری اتمی دست یافت، ناوگان فضائی و دریائی عظیمی ایجاد کرد. تانکهای "تی-۳۴"، موشک‌های کاتیوشا "آرگ استالین" و هواپیماهای شکاری "ایل-۲" پوزة فاشیست‌ها را درهم شکست. اینها دستاوردهای فرهنگی خلق‌های شوروی بعد از انقلاب اکتر بود. در دوران استالین جنبش معنوی عظیمی بپا گردید نسل‌های کاملی از جوانان شوروی در کلپ‌های روستائی با فیلم‌های مستند، پیشرفت‌ها و دستاوردهای بزرگ سوسیالیسم آشنا شدند. این در زمانی بود که نه تلویزیونی در جهان وجود داشت و نه به صورت امروز رادیو. رادیو یک محصول تجملی برای خانواده‌های ثروتمند بود. مردم شوروی روح برادری و اتحاد را درک می کردند و می دیدند که چگونه با تکیه بر نیروی خود نیروگاه عظیم برق دنییر راه اندازی شد و برق را به سراسر شوروی رسانید. لنین می گفت سوسیالیسم یعنی الکتروفیکاسیون، یعنی کشور را برق‌کشی کنیم و شبکه برق را به همه جا برسانیم تا بتوانیم رادیو داشته باشیم تا بتوانیم سوسیالیسم را تبلیغ کنیم. تمام این زمینه‌های مادی انقلاب فرهنگی در زمان استالین برپا شد. بر اساس توده‌ای کردن کسب علوم و بسیج فرزندان زحمتکشان و میدان دادن به استعدادهای نهفته در خلق، بی سوادى را نه تنها برافکند بلکه به اعتلای بی نظیر علوم میدان داد. در اینجا سخن بر سر پیشرفت‌های مادی و معنوی شوروی سوسیالیستی به رهبری حزب کمونیست و رفیق استالین نیست. سخن بر سر برملا کردن گوشه‌ای از دورغ‌ها و افتراآت عظیمی است که به شوروی می زنند تا سوسیالیسم را بی اعتبار گردانند. ما بارها گفته و باز هم می گوئیم رفیق استالین به هر صورت در جبهه کمونیست‌ها قرار داشت و برای استقرار سوسیالیسم رزمید. وی معمار بزرگ ساختمان سوسیالیسم در شوروی، سازنده بزرگ فرهنگ نوین مردم شوروی، رهبر کبیر انقلاب فرهنگی، و قهرمان بزرگ جنگ میهنی ضد فاشیستی در جهان بود. دولت پرولتری در زمان استالین هرگز نسبت به رشد افکار بورژوائی بی تفاوت نماند. این دروغ‌ها را دشمنان "چپ" سوسیالیسم می گویند که از حمله از جناح راست طرفی نبسته‌اند. تجربه شوروی در چین کمونیست به نحو دیگری به کار گرفته شد. در آنجا برای مبارزه با افکار بورژوائی به انقلاب فرهنگی پرولتری دست زدند. آنها انقلاب را می خاستند با همان ایزاری به سرانجام برسانند که شرایط عینی در اختیار آنها گذارده بود. درک آنها از آن، از آن حدی که اجرا کردند بیشتر نبود. برخوردی که آنها کردند تا حد نفی نیهیلیستی دستاوردهای بورژوازی و نه نفی دیالکتیکی این دستاوردها پیش رفت. ولی می خواستند نهاد انسان‌ها را تغییر دهند و انقلابی در روان اجتماعی بکنند که مبارزه‌ای در عرصه ایدئولوژیک بود. آنها می خواستند امتیازات را از بین برده و توده‌های مردم را از بی تفاوتی به در آورده، به کار سیاسی و آموزش سیاسی بکشانند. این آموزش رفقای چینی از ادامه مبارزه طبقاتی در شوروی بود که مانو از آموزگار بزرگش استالین آموخته بود و جمع‌بندی کرده بود. بگذریم از این که تحولات در چین در شرایط نوین، در تحت تناسب جدیدی از نیروهای طبقاتی در عرصه جهان، در شرایط آرامش و حمایت عظیم اتحاد شوروی و اردوگاه قدرتمند سوسیالیستی انجام می گرفت. تحولات شوروی در دوران استالین تنها متکی به نیروی خود آنها بود، تناسب قوای طبقاتی به نفع امپریالیست‌ها و فاشیست‌ها بود. کار رهبری استالین کاری بزرگ، غول آسا و کارستان بود. آنها تناسب قوای جهانی را نیز تغییر دادند. برخی مائوئیست‌های بیچاره برای ایجاد محبوبیت برای مانو از لجن پراکنی و دروغ‌گویی در مورد استالین ابااء ندارند. این مائوئیست‌ها فکر می کنند هر چقدر در مورد استالین دروغ بگویند و خدماتش را بی ارزش جلوه دهند نقش مانو تسه دون برجسته می شود. حال آن که مشک آن است که خود ببوید و نه آن که عطار بگوید. طبیعتاً مائو تسه دونگ از رهبران برجسته جنبش کمونیستی جهانی بود و خدمات فراوان به انقلاب چین و آزادی آن کشور کرد ولی نقش وی با نقش لنین و استالین که برای نخستین بار سوسیالیسم را بنا می کردند و برخلاف جریان آب شنا می نمودند و ثنورسین‌ها و رهبران سترگی بودند قابل قیاس



نیست. چنین مدعیانی از تاریخ جنبش کمونیستی بی خبر بوده و بی خبر هستند. آنها در بهترین حالت کاریکاتورهای تروتسکی می باشند.

بهر صورت کلی گویی‌های روشنفکرانه حلال هیچ درد و مشکلی نیست و کمکی نیز به ساختمان جامعه سوسیالیستی در ایران نمی کند. در ایران سوسیالیستی نیز همین پرسش‌ها مجدداً بر روی میز و دستور کار قرار دارد و باید به آنها همان گونه که استالین پاسخ گفت، جواب داد. اگر پیغمبرانی یافت می شوند که پاسخ‌های آماده و مؤثری دارند که در عمل نتیجه اجتماعی دارد و نه بحث دانشگاهی در اطاق گرم کار، بفرمایند، این گوی و این میدان. به نظر ما تنها تحلیل مشخص از شرایط مشخص راهگشاست و این کار در شوروی صورت گرفته است. به جز نظریات استالین و پیشنهادات وی کسی راه حلی نداشت که ارائه دهد. اداره یک کشور را نمی شود تا رسیدن پیشنهادات بی عیب و اشکال به تأخیر انداخت، نمی توان از ترس اشتباه، کار را تعطیل کرد. این درک خرده بورژوائی از مسائل است. کمونیست‌ها در عمل راه حل‌ها را می یابند و با تکیه بر اصول انتقاد و انتقاد از خود آن را اصلاح می کنند و تئوریزه می نمایند. تمام تاریخ تئوری‌های مارکسیسم تاریخ تعمیم تجارب عملی علوم اقتصاد، سیاست، فلسفه و علوم تجربی و دانشگاهی می باشد.

### طبقه نواخته سرمایه‌داری در شوروی پس از کسب قدرت سیاسی توسط رویزیونیست‌ها و فساد از بالا

**پدید آمد.** زیرا توزیع اجتماعی عادلانه و سوسیالیستی نبود، اهرم‌های نظارت دستگاه دولت و رهبری حزب کافی نبود، روبنا بر زیر بنا تأثیر کرد و این همان تأثیر متقابل و دیالکتیکی روبنا به زیر بناست. این خطر هنوز هم برای همه جوامع سوسیالیستی آتی نیز پا برجاست. هنوز هم کسی نسخه روشنی به جز آن چه استالین گفت که باید به مبارزه نظری، ایدئولوژیک و فرهنگی دامن زد و سطح جهل عمومی را کاهش داد، ارائه نکرده است. پرگویی روشنفکرانه که محصول بی مسئولیتی و خودنمایی است نمی تواند کار اداره یک کشور چند ده میلیونی و یا میلیاردي را به پیش برد. در موقع خطر شما نشانه‌ای از این روشنفکران پرگو و پر مدعا که نسخه همه دردها را دارند پیدا نمی کنید. اتفاقاً همین‌ها همان دشمنان طبقاتی پرولتاریا هستند که با غرغر و مبارزه ایدئولوژیک تخم یأس و ترسیم منظره رسیدن به بن بست را برای شما به نمایش می گذارند. کمونیست‌ها زنده اند، در مبارزه طبقاتی شرکت فعال می کنند، تغییر شکل و ویروس‌های بورژوازی را که می خواهند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند درک می کنند و آنها را بی ضرر می نمایند. این مبارزه طبقاتی تا به امروز هم ادامه دارد. همین امروز هم ما شاهدیم که تهاجم ایدئولوژیک بورژوازی امپریالیستی توسط اندیشمندان و رسانه‌های گروهی‌اش و باج‌های مادی چقدر قربانیان "دو آتشه کمونیستی" بر جای گذشته است. "کمونیست‌هایی" که شکنجه نشده به اظهار ندامت دست زده‌اند و نشان داده‌اند که از همان روز نخست به این اعتقادات تظاهر می کرده‌اند. هیچ کمونیستی نمی تواند به نفی کمونیسم بپردازد زیرا کمونیسم علم است. زیرا فیزیک و شیمی علمند، زیرا زمین کروی است و به زور کلیسای کاتولیک نمی شود آن را مسطح جلوه داد، نمی شود آدم و حوا را به جای تئوری تکامل تدریجی انسان گذاشت. کسانی که این کار را می کنند، مدرن و ضد "سنت" نیستند، خود فروش و عوامفریبند و برای خیانت خویش توجیه دلبخواه و مُسکن درد می آفرینند. کمونیسم همیشه مدرن است و این سرمایه‌داری است که سنتی است و سنت گنبدیده‌اش فرتوت است و عمرش از کمونیسم بیشتر. این بیماری خطرناک است که جان سخت است و هر بار با بحران‌ها و بی‌خوابی‌های ادواریش، میلیاردها مردم را بی‌خانمان می کند و ثروت‌های جامعه را برای شادیش می سوزاند. این سرمایه‌داری سنتی است که با جنگ‌ها و سیاست‌های استعماری ننگی برای بشریت است. کمونیست‌ها باید برای نابودی این اژدها متحد شوند. به هر صورت رفیق استالین از ما بود و ما در جبهه رفیق استالین بر ضد این دیوها و عفریت‌ها و اژدهای سرمایه‌داری می رزمیم.

پایان

\*\*\*\*\*

**زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت**

## وینستون چرچیل:

«برای روسیه سعادت بزرگ بود که در سال‌های سخت‌ترین آزمون‌ها، فرماندهی خردمند و تزلزل‌ناپذیر، یوسف ویساریونویچ استالین آن را رهبری می‌کرد. وی شخصیتی برجسته، مورد تحسین زمان، بیرحم چه در حین کار و چه هنگام گفتگو بود، شخصیتی که حتی مرا که در مجلس انگلیس تربیت شده‌ام یارای مقابله در برابرش نبود. این نیرو در استالین چنان عظیم بود که وی هم چون شخصیتی بی‌همتا در میان رهبران همه‌زمان‌ها و همه‌خلق‌ها به نظر می‌رسید. تأثیر و نفوذ وی بر مردم فوق‌العاده بود. در روزهای برگزاری کنفرانس یالتا هنگامی که او به سالن کنفرانس وارد می‌شد همگان گویی هم چون یک تیم از جا بر می‌خاستیم و شگفت آن که به حالت خبردار می‌ایستادیم. استالین دارای خردمندی ژرف، منطقی هوشمندانه، فارغ از هرگونه هراس بود. او استاد بی‌همتای یافتن راه برون رفت از چاره‌ناپذیرترین اوضاع بود... او انسانی بود که دشمن خویش را به دست دشمنان خویش نابود می‌کرد و ما را که آشکار امپریالیست می‌نامید وادار می‌نمود که با امپریالیست‌ها بجنگیم.

او روسیه را با خیش تحویل گرفت و با اسلحه بر جای گذاشت. هرچه که همه درباره استالین بگویند، تاریخ و مردم، چنین اشخاصی را از یاد نخواهند برد».

.....

«تاریخ به ما می‌گوید آن طبقه یا گروه اجتماعی که در تولید اجتماعی نقش عمده را بازی می‌کند و وظائف عمده‌ی تولید را در دست دارد به مرور زمان ناگزیر باید صاحب اختیار این تولید شود. زمانی بود، مانند دوران مادرشاهی، که زنان صاحب اختیار تولید شمرده می‌شدند. آیا علت این موضوع چه بود؟ علت آن بود که در تولید آن زمان یعنی در زراعت بدوی، زنان نقش عمده را ایفاء می‌کردند و وظایف عمده را اجراء می‌نمودند و حال آن که مردان در جستجوی جانوران در جنگل‌ها می‌گشتند. سپس زمان دیگری رسید، که زمان پدرشاهی بود، و در آن وضع مسلط در تولید، به مردان انتقال یافت. چرا این تغییر واقع شد؟ زیرا در تولید آن روزی، یعنی اقتصاد شبانی، که در آن مهم‌ترین افزارهای تولید عبارت بود از نیزه و کمند و تیر و کمان، وظیفه‌ی عمده را مردان اجرا می‌کردند... سرانجام زمان دیگر یعنی دوران تولید بزرگ سرمایه‌داری درمیرسد، که در آن پرولتاریاها به اجرای نقش عمده در تولید می‌پردازند و کلیه‌ی وظایف عمده‌ی تولید به دست آنان می‌افتد و بدون آنها تولید حتی یک روز هم دوام نمی‌آورد (اعتصاب همگانی را بیاد آوریم). در این زمان سرمایه‌داران نه تنها برای تولید لازم نیستند بلکه مانع آنند. معنی این سخن چیست؟ معنی این سخن آن است که یا باید هرگونه زندگی اجتماعی سرپا منهدم گردد و یا این که پرولتاریا، دیر یا زود ولی ناگزیر، صاحب تولید معاصر و یگانه مالک آن یعنی مالک سوسیالیستی آن شود.

بحران‌های صنعتی معاصر که فاتحه‌ی مالکیت سرمایه‌داری را می‌خوانند و مسئله‌ی یا سرمایه‌داری یا سوسیالیسم را به طور قطعی مطرح می‌سازند، این نتیجه‌گیری را کاملاً مبرهن کرده. طفیلی‌گری سرمایه‌داری و ناگزیری پیروزی سوسیالیسم را آشکار می‌گردانند.

این است برهان دیگری که بر ناگزیری سوسیالیسم پرولتاری مارکس ذکر می‌کند:

سوسیالیسم پرولتاری مبتنی بر مبانی علمی مذکور در فوق است نه بر عواطف احساساتی و "عدالت" تجربی و عشق و علاقه نسبت به پرولتاریا.

به همین جهت است که سوسیالیسم پرولتاری "سوسیالیسم علمی" نیز نامیده می‌شود. «استالین (آنارشیزم یا سوسیالیسم»

**زنده باد لنینیسم، تئوری و تاکتیک پرولتاریا در عصر  
امپریالیسم!**

## توفان شماره ۱۱۱ خرداد ماه ۱۳۸۸ ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.

### رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترتسکیسم و شبه ترتسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کار ایران (توفان) کمک مالی کنید!

[پارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:](#)

- \* سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- \* ترتسکیسم، ضد انقلاب در پوشش نوشته‌ی م. ج. اولژین
- \* مانیفست حزب کمونیست اثر کارل مارکس و فریدریش انگلس
- \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- \* گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- \* بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- \* جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- \* مارکسیسم و مسئله ملی - استالین

آدرس اینترنتی: [www.toufan.org](http://www.toufan.org)

آدرس تماس: [toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

**آزادی فوری و بی قید و شرط زندانیان سیاسی!**